

آن‌ها در این روند همان چیزهایی را کشف می‌کنند که سوفوکل و آسیل، شکسپیر و جرج برنارد شاو، رابرت بلت^۶ و پدی چایفسکی^۷ پیش از آن‌ها آموخته بودند: جست‌وجوی خداوند، برای زندگی همه انسان‌ها درامی عظیم است و به این علت، داستان‌هایی که چنین جست‌وجویی را واقع‌نگاری می‌کنند، به شدت گیرا هستند. آن‌ها با کلامی ژرف با ما سخن می‌گویند و چیزهایی را درون ما فعال می‌سازند که نمی‌دانستیم وجود دارند. این داستان‌ها به خطر، غافل‌گیری، طنز، اقدامات خطیر و ارتباط عاطفی می‌پردازند. درست مانند این است که بگوییم: هیچ چیز جذاب‌تر و تاثیرتری از خداوند نیست. چرا؟ زیرا خداوند رازی دوست‌داشتنی است که ما در او زندگی می‌کنیم، در او بویایی و وجود داریم. خداوند بیش از هر آغاز و پایان، معنی و هدف، زمینه و افق زندگی همه انسان‌ها است.

* این مقاله با نام *God Taboo in Prime Time?* نوشته پدر الوود کیسر (Ellwood E. Kieser) از کتاب *دین و عصر تلویزیون* پربیننده (*Religion And Prime Time Television*)، گردآوری شده توسط مایکل سومان (*Michael Suman*)، برداشت و ترجمه شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

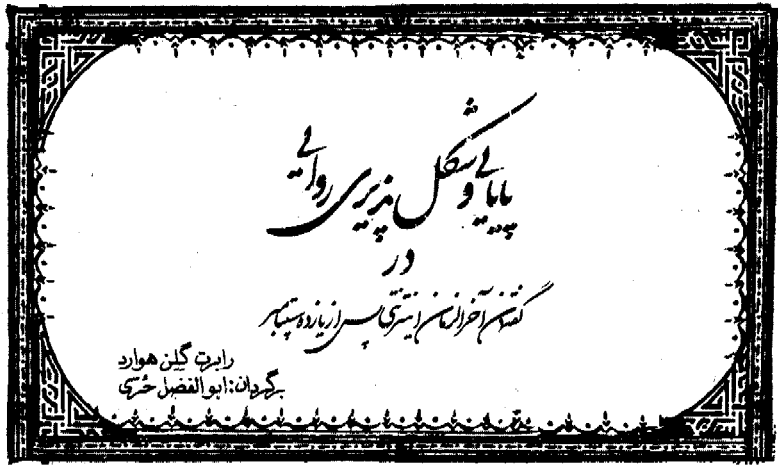
۶ Robert Bolt

نمایش‌نامه‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس برجسته انگلیسی (۱۹۲۴-۱۹۹۵) که برای نوشتن فیلم‌نامه دو فیلم دکتر ژیراگو (۱۹۶۵) و صردی برای تمام فصول (۱۹۶۶) برنده جایزه اسکار شد. (م)

۷ Paddy Chayefsky

نمایش‌نامه‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس ممتاز آمریکایی (۱۹۲۳-۱۹۸۱)، وی اساساً از رادیو و تلویزیون به تئاتر و سینما آمد و به خاطر نوشتن فیلم‌نامه درخشان مارتی (۱۹۵۵) و فیلم‌نامه اثر افشاگرانه شبکه (۱۹۷۶) جایزه اسکار گرفت. (م)





در آمد مترجم

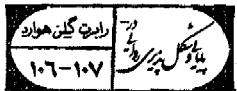
حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که در آن برج‌های دو قلوی مرکز تجاری نیویورک مورد حمله قرار گرفت، از زوایا و رهیافت‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، رسانه‌ای و به ویژه مطالعات میان‌رشته‌ای، بررسی و مطالعه شده است. از جمله مباحث جذاب میان‌رشته‌ای یکی، نقش رسانه‌های جمعی و فردی سنتی به ویژه کتاب‌های داستانی و غیرداستانی و از همه مهم‌تر، رسانه‌های اینترنتی مانند سایت‌ها و تارگه‌های اینترنتی، در تبیین فرارسیدن آخر الزمان مسیحی یا بازایی مسیح، در سه و نیم دهه گذشته بوده است. از دیگر سو، از جمله ابزارها و روش‌های اصلی برای پی بردن به اینکه رسانه‌ها چه اندازه در طبیعی جلوه دادن این‌گونه حوادث موفق و کارآمد عمل کرده‌اند یا نکرده‌اند، از گفت‌مان کاوی یا تحلیل گفت‌مان استفاده می‌کنند. در واقع، در این مقاله، رابرت هوارد تبیین می‌کند که چه اندازه منش‌ها و شیوه‌های گفت‌مان در پیوند دادن حوادثی مانند ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به ساختار روایی از پیش موجود و قطعاً برآمده از کتب مقدس، رسانه‌های فردی و جمعی مانند کتاب‌ها و به ویژه سایت‌های اینترنتی مخاطبان، نقش اساسی ایفا می‌کند. به دیگر سخن، هوارد با موردپژوهی یک گفت‌مان اینترنتی در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ یعنی درست یک روز پس از وقوع حمله، که متعلق به سایت مارلین اگی است، پی می‌برد که میان موضوعاتی که مشارکین در گفت‌وگوی اینترنتی درباره آنها صحبت می‌کنند و نگرش‌ها و آموزه‌های بنیادینی که در کتب مقدس آمده و در کتاب‌های منتشرشده در سه دهه اخیر صورت روایت پیدا کرده است، همبستگی و قرابت‌های بسیار وجود دارد. در واقع، حرف اصلی هوارد این است که رسانه‌ها و به ویژه کتاب‌های داستانی و غیر داستانی و از همه مهم‌تر، رسانه‌های اینترنتی که در سه دهه گذشته چاپ، توزیع و در خصوص تارگه‌ها، راه‌اندازی شده‌اند، در شکل



رابرت گلین هوارد (Robert Glenn Howard) دانشیار گروه هنرهای ارتباطی دانشگاه ویسکانسین آمریکا و سردبیر مجله Western Folklore است.

1. sustainability

هوارد شخصاً از طریق ایمیلی که به مترجم ارسال کرد، توضیح داد که این



واژه در اکولوژی کاربرد فراوان دارد و مراد این است که گفتمان، این توانایی ادامه را پیدا می‌کند و گفتمانی که تداوم می‌یابد، گفتمانی کارآمد است؛ چرا که تداوم نشان می‌دهد افراد به جای برخورد فیزیکی یا جنگ با یکدیگر، به گفت‌وگو و مذاکره علاقه‌مندترند. در فرهنگ‌های مختلف از جمله فرهنگ جامعه‌شناسی (میرساردو، ۱۳۷۹)؛ فلسفه و علوم اجتماعی (بريجانين، ۱۳۸۱) برای ریشه و/یا ترکیبات این واژه، معادل‌های پایدار بودن، توان بخش بودن، استمرار داشتن و غیره را ارائه کرده‌اند. منظور از پایایی گفتمان این است که گفتمان آخرالزمان با تشکیل جامعه موضوعی و دامن‌زدن به مسائل و موضوعات جذاب به حیات خود استمرار می‌بخشد. (م)

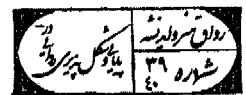
2. narrative plasticity

همان گونه که نویسنده نیز تبیین می‌کند، منظور از این عبارت، قرار گرفتن مباحث مختلف از جمله گفتمان آخرالزمان در قالب روایت است. نیک می‌دانیم هر چیزی که داستانی را در شکل‌ها و قالب‌های گوناگون تعریف کند، روایت است و نقل حوادث نیز به این مناسبت که رخدادها در زمان و مکان مشخصی اتفاق می‌افتد و مشارکین و اشخاصی خاص دارند روایت را بر دو نوع داستانی و غیرداستانی می‌دانند. در اینجا، مراد روایت غیر داستانی و/یا به تمییزی واقعی/تاریخی است. روایت آخرالزمان به قدری انعطاف‌پذیر است که از موضوعات و نگرش‌های گوناگون با روی باز استقبال می‌کند و همین ورود

دادن ذهنیت مخاطبان بر سر اینکه پایان جهان نزدیک است و نشانه‌های آن، مجموعه حوادثی است (از جمله حوادث ۱۱/۹) که به بازآیی مسیح منجر می‌شود، موفقیت‌آمیز عمل کرده‌اند. در واقع، این رسانه‌های سنتی و مدرن، مخاطبان و به ویژه مخاطبان اصول‌گرای مسیحی را متقاعد کرده‌اند که پایان جهان نزدیک است و رسانه‌ها و به ویژه گفتمان اینترنتی در مانایی، پایایی و تداوم این گونه عقاید و نگرش‌ها نقشی اساسی ایفا کرده‌اند. به گمان هوارد، پایایی یا تداوم‌یافتگی گفتمان، ناظر است به توانمندی رسانه‌های خاص (و در اینجا، کتاب و اینترنت) برای تثبیت گفتمانی ویژه (که همان بازآیی مسیح و نزدیکی پایان جهان است) در درازمدت. تثبیت گفتمانی ویژه در ذهن مخاطبان، رفتارهای گفتمانی خاص مرتبط با گفتمان آخرالزمانی را در پی می‌آورد و مخاطبان سعی می‌کنند به گونه‌های رفتار کنند یا به گونه‌های بیندیشند که در راستای سناریوی پایان جهان مسیحی باشد و زمینه را برای بازآیی مسیح آماده کنند. از این منظر، حوادثی از قبیل ۱۱/۹ نه‌چندان غیر منتظره و عجیب بلکه طبیعی و قابل پیش‌بینی هستند.

هوارد مقاله خود را به سه بخش تقسیم می‌کند. در بخش اول جایگاه و نقش رسانه‌های سنتی مانند کتاب و رسانه‌های مدرن مانند تارگه‌های اینترنتی را تبیین می‌کند. هوارد ضمن ارجاع بسیار به اندیشمندان مختلف اصحاب رسانه‌های سنتی و مدرن، این نگرش را تبیین می‌کند که بسیاری از ارزش‌های بنیادین افرادی که در گفتمان اینترنتی شرکت می‌کنند، در ساختارهای روایی یا الگوها و پارادایم‌های مانا و ژرف روایی فرهنگ و اندیشه مسیحی ریشه دارد. در واقع، این افراد که سخت زیر نفوذ اندیشه‌های القا شده در رسانه‌های سنتی و مدرن قرار گرفته‌اند، سرسختانه معتقد شده‌اند که آنچه در جهان واقعی رخ داده است یا در شرف وقوع است، جزو مجموعه رخدادها و حوادثی است که به نزدیکی آخرالزمان و بازآیی مسیح منجر می‌شود. هوارد در ادامه تبیین این مسئله به کتاب‌ها و آثار داستانی سه دهه گذشته اشاره می‌کند که جملگی بر این باور تکیه و این اندیشه را القاء کرده‌اند که آخرالزمان فرا رسیده است و مسیح به زودی باز خواهد آمد.

هوارد در بخش دوم مقاله، یکی از فعالان عرصه گفتمان آخر الزمان در دو رسانه سنتی و مدرن را معرفی می‌کند: مارلین اگی. اگی پس از بازنشستگی و بر اساس آنچه خود او آن را هدایت الهی می‌نامد، به سمت مطالعه کتاب مقدس سوق می‌یابد و تا پیش از راه‌اندازی تارگه الکترونیکی، جمعا سه کتاب درباره مسایل مربوط به آخرالزمان می‌نویسد. اگی سپس برای پاسخ دادن به نامه‌های فراوانی که از خوانندگانش دریافت می‌کند، تصمیم می‌گیرد سایتی اینترنتی راه‌اندازی کند. اگی در صفحات مختلف سایت خود، بخشی را به نظر موافقان و مخالفان و نیز پاسخ‌های خودش به ایمیل‌ها اختصاص می‌دهد. هوارد با موردپژوهی یکی از صفحات سایت اگی، به تبادل موضوعات مربوط به گفتمان آخرالزمان اشاره می‌کند. هوارد در ایمیل‌های خوانندگان و نیز پاسخ‌های اگی، ارتباطی با مضامین کتاب مقدس پیدا می‌کند و به تبیین این مسئله می‌پردازد



که بسیاری از تفسیرهایی که آگی و کاربران از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ارائه می‌دهند، با آنچه در کتب مقدس عهد عتیق و جدید آمده است، همخوانی و قرابت دارد. در پایان این بخش، هوارد نتیجه‌گیری می‌کند با اینکه بسیاری از پیش‌بینی‌های آگی و خوانندگانش دربارهٔ حوادث پس از ۱۱ سپتامبر نادرست از کار درآمده‌اند، آگی و کاربران گفت‌مان آخرالزمان اینترنتی حاضر نیستند از ارزش‌های بنیادین خود دست بردارند و یا اینکه آن‌ها را بازنگری کنند.

هوارد در بخش پایانی مقاله خود زیر عنوان تشکیل جامعه موضوعی، به چگونگی ایجاد جوامع اینترنتی که حول بررسی یک مجموعه موضوع یا مناسبت شکل می‌گیرند، اشاره می‌کند. هوارد موضوع نزدیکی آخرالزمان را از جمله موضوعاتی می‌داند که یک عده از افراد معتقد به آن را زیر لوای یک جامعه اینترنتی درآورده است. افراد این جامعه نگرش‌ها، ساختارهای روایی و ارزش‌های بنیادین مخصوص به خود را دارند و حاضر هم نیستند به سهولت از این نگرش‌ها دست بردارند. هوارد این نوع جوامع را نوعی هویت‌پذیری می‌داند که به چندگونگی زبان‌ها و نگرش‌ها ختم می‌شود. در واقع، ارتباط اینترنتی این توان را به افراد می‌دهد که گفت‌مان را از آن خود کنند. نکته دیگر اینکه، این افراد فعالانه گفت‌مان را در جامعه اینترنتی خود فیلتر می‌کنند؛ به گونه‌ای که به نگرش‌های انحرافی، اجازه ورود نمی‌دهند. در مجموع می‌توان گفت شکل‌پذیری گفت‌مان آخرالزمان، آن را تعدیل‌پذیرتر می‌کند.

درآمد نویسنده

گفته‌اند از جمله شیوه‌های ارزیابی نقادانهٔ گفت‌مان‌های اینترنتی، توانمندی این‌گونه گفت‌مان‌ها در ادامه دادن به حیات خود است. در این مقاله، بحث من این است که گفت‌مان آخرالزمان مسیحی در فضای اینترنت، سخت پایاست؛ دقیقاً به این دلیل که هنجارهای استدلالی آن در بطن روایتی ژرف و شکل‌پذیر ریشه دوانده است. از آنجا که متون انجیلی، مأذون و روایت تفسیری معرف این گفت‌مان، به غایت انعطاف‌پذیر است، رخدادهای جدید آن با ساختار روایی ممزوج می‌شوند و گفت‌مان آخرالزمان را در محیط اینترنت به غایت پایدار جلوه می‌دهند. با این حال، تحلیل موردپژوهی نشان می‌دهد ویژگی‌هایی که به پایایی گفت‌مان آخرالزمان دامن می‌زنند، آن را در برابر نگرش‌های به ناچار انحرافی که به نظرسنجی عمومی عمدتاً التقاطی دامن می‌زند، نفوذناپذیر جلوه می‌دهد.

و اما بعد...

اخیراً، رابرت آسن^۵ (۲۰۰۴) خاطرنشان کرده که لازم است به منش‌های گفت‌مان^۶ به منزلهٔ وجوه شهروندی توجه شود چرا که:

منش‌های گفت‌مان، حقوق روزمره شهروندی^۷ را به طرز بالقوه، در دسترس و تأثیرگذار جلوه می‌دهد. حتی رای‌دهندگان دائمی نیز همیشه پای صندوق‌های رای حاضر

نگرش‌ها و صنایع تازه، به گفت‌مان شکل می‌دهد و به تعبیری آن را در برابر نگرش‌های تازه، شکل‌پذیر و انعطاف‌پذیر نشان می‌دهد. هوارد نوشته است که شکل‌پذیری روایی یعنی توانمندی روایت برای تغییر. (م)

3. online apocalyptic discourse

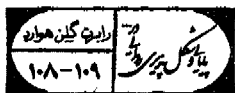
کاربرد زبان برای مقاصد خاص مانند سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره که هدف مشخصی را پی‌می‌گیرد و از واژگان خاص آن رشته استفاده می‌کند گفت‌مان در معنای غیر زبان‌شناختی آن است. در زبان‌شناسی، هر پاره زبانی دارای آغاز، میانه و پایان مشخص که میان فرستندگان از یک سو و گیرندگان از سوی دیگر، در جریان باشد و از نوعی انسجام و پیوستگی نیز برخوردار باشد، گفت‌مان نام دارد. به دیگر سخن، گفت‌مان دو معنا دارد؛ یکی پاره یا قطعه زبانی و دیگری سازگان اجتماعی محتواها در کاربرد زبانی. اولین معنا همان گونه که گفتیم، زبان‌شناختی است و دومین معنا، رویکردی جامعه‌شناختی است به موضوعاتی که با زبان سروکار دارند. به نظر می‌آید مباحث سیاسی-اجتماعی که پس از سپتامبر ۲۰۰۱ دربارهٔ مسائل مربوط به آخرالزمان در دنیا مطرح شد پاره‌ای سازمان‌مند و منسجم زبانی را در قلب گفت‌مان آن‌لاین یا اینترنتی آخرالزمانی پدید آورده است. (م)

4. discourse analysis

5. Robert Assen

6. discourse practices

7. enactments of citizenship



8. civic engagement
9. case study research
10. public sphere theory
11. controversy
12. adaptation

۱۲. rhetoric رتوریک عبارت است

از کاربرد هنرمندانه زبان برای ترغیب شنونده در راستای انجام دادن کاری. از رتوریک، به سخن‌پردازی و بلاغت نیز تعبیر می‌کنند. در زبان فارسی چندین معادل برای آن پیشنهاد شده است از آن جمله است: فن خطابه، علم الخطابه، علم المعانی و بیان، فن سخنوری، بیان، فن بیان، عبارت‌پردازی و غیره. من، واژه لفاظی را انتخاب کرده‌ام که بر نقش ترغیبی زبان یا گفتمان تأکید می‌ورزد. در واقع، رتوریک آخرالزمان مسیحی به گونه‌ای مباحث و موضوعات مربوط به پایان جهان را ارائه می‌دهند که مخاطب را به پذیرش آنها ترغیب می‌کند. (م)

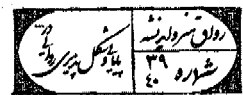
14. argumentative norms

۱۵. به دیگر سخن، رتوریک آخرالزمان اینترنتی در متون روایی و داستان‌پردازی‌های کتاب مقدس ریشه دارد و خوانندگان اعتقاد یافته‌اند که آن‌چه روی داده با روی می‌دهد، در کتب مقدس آمده است و همین امر به پایایی و مانایی این نوع گفتمان کمک کرده است. (م)

16. valued benefits

۱۷. به دیگر سخن، گفتمان اینترنتی نوعی گفتمان اقتصادی نیز است که در آن منافع به منافع تبدیل می‌شود. (م)

۱۸. Voices منظور از صدا، مجموعه نگرش‌ها و عقاید دیگر افراد است که در



نمی‌شوند... برخلاف، منش‌های گفتمان، تکرار و پایایی تعهدات مدنی را نشان می‌دهند. با عنایت به بذل توجهی که اخیراً نسبت به اهمیت سیاسی مسیحیت پروتستان انجیلی شده است، لازم است صاحب‌نظران، تعاملات مذهبی این مسئله را مطرح کنند که در این گونه جوامع مذهبی چه نوع رفتارهای ارتباطی با وجوه پربار نظرخواهی عمومی همبستگی دارد. چه نوع رفتارهای ارتباطی به تعهدات مدنی^{۱۱} نمربخش دامن می‌زنند؟ چگونه رسانه‌های خاص به این رفتارها دامن می‌زنند یا دامن نمی‌زنند؟ گسترش ارتباط اینترنتی چه نقشی در این گونه گفتمان‌های از پیش موجود مسیحی ایفا می‌کند؟

از جمله راه‌های ارزیابی نقادانه نقشی که ارتباط اینترنتی در طرح پرسش‌های پیش‌گفته دارد، یکی انجام دادن این تحقیق موردپژوهی^{۱۲} است که پایایی و تداوم گفت‌وگوهای خاص اینترنتی را ارزیابی می‌کند.

زمانی که به گفتمان از نقطه‌نظر نظریه ساحت عمومی^{۱۳} نگاه می‌کنیم، تضادها و تضارب آراء^{۱۴} آن گاه که به طور علنی در گفت‌وگوهای خاص بحث و بررسی شوند، به برخورد‌های خلاقانه میان افراد منجر می‌شوند. از این دیدگاه نقادانه، پایایی در گفتمان امری مطبوع است؛ چرا که از رهگذر تعهدات گفتمانی، به فرصتی برای نوآوری و انطباق^{۱۵} بدل می‌شود. با این حال، پایایی در گفتمان در خصوص دست‌کم برخی گفتمان‌های مسیحی اینترنتی مصداق ندارد.

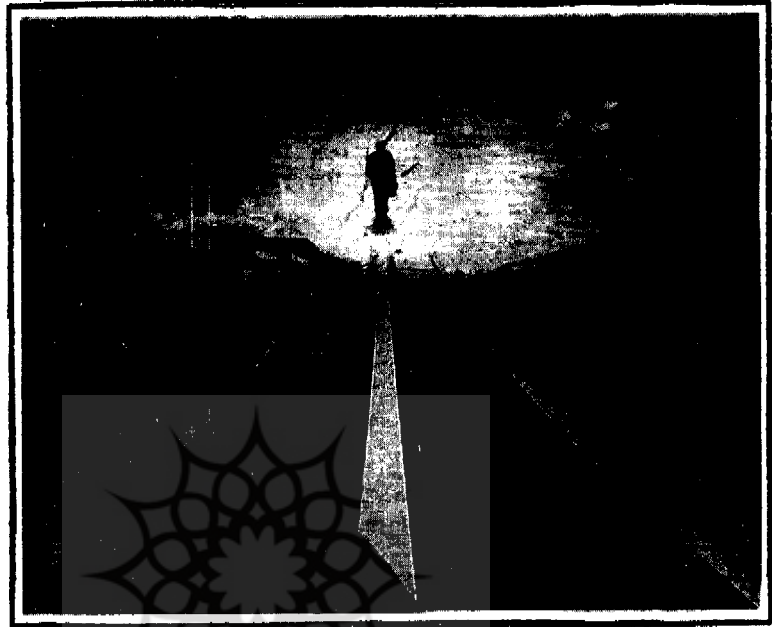
در این جستار، استدلال می‌آورم که لفاظی^{۱۶} آخرالزمان مسیحی در محیط اینترنت، به غایت پایا و تداوم‌پذیر است؛ چرا که هنجارهای استدلالی^{۱۷} آن، در روایتی ریشه دوانده که بسیار شکل‌پذیر می‌نماید.^{۱۸} با این حال، موردپژوهی مسیوط گفت‌وگوی اینترنتی خاص نشان می‌دهد که همین شکل‌پذیری روایی مانا که این گفتمان اینترنتی را استمرار می‌بخشد، هم‌چنین آن را در برابر نگرش‌های انحرافی که مبین رفتارهای گفتمانی عمدتاً التقاطی است، نفوذناپذیر جلوه می‌دهد.

تحقیقات پیشین نشان می‌دهند که مسیحیان بنیادگرای پیرو گفتمان‌های عرفاً بسته و محدود، در گفتمان‌های اینترنتی از شیوه‌ها و اسلوب‌های بیانی آزادانه‌تری بهره گرفته‌اند؛ از جمله عوامل اتخاذ چنین الگوی رفتاری این است که بهره‌مندی از رسانه‌های اینترنتی، به گفتمان آخرالزمان استمرار می‌بخشد. از این جهت، پایایی گفتمان، ناظر است به توانمندی رسانه‌ای خاص برای تثبیت گفتمانی ویژه در درازمدت و از همین رو، گسترش و بسط کیفیت واقعی رفتارهای گفتمانی مرتبط با همان گفتمان مشخص. گفتمان اینترنتی نیز همانند گفتمان‌های سنتی، می‌بایست از فرآیندهایی اجتماعی‌جانب‌داری کند که منابع را به منافع با ارزش^{۱۹} بدل می‌کند.

گفتمان پایا و مستمر، گفتمانی است که تطابق‌پذیر بوده و از نگرش‌هایی تازه با روی باز استقبال می‌کند. مشارکین در چنین گفتمانی نیز لازم است به ورود صداهای^{۱۸} دیگر به جمع خود

قالب کلی و عمومی «صدا» مطرح می‌شود. واژه صدا از ابداعات باختین است و باختین در بررسی رمان، تک‌صدایی را در برابر چند صدایی قرار می‌دهد. (م)

۱۹. آخرالزمان، اعتقادی است که در فرهنگ ادیان بزرگ دنیا دیده می‌شود و در دین‌های ابراهیمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عقاید آخرالزمان بخشی از مجموعه عقاید هستند که به پایان این جهان و پیدایش جهان دیگر مربوط می‌شوند و ادیان بزرگ درباره آن پیشگویی کرده‌اند. تصور آخرالزمان به معنای پایان دوره جهان و پیوستن آن به قیامت کبری، در دین یهود از سده‌های دوم و سوم پیش از میلاد پیدا شده است. پیش از این زمان، بنی‌اسرائیل که خود را قوم برگزیده خداوند می‌دانستند، در انتظار روزی بودند که در آن وعده الهی تحقق یابد و خداوند قوم برگزیده خود را در سرزمین موعود مستقر و دشمنان آن را نابود کند و عدل و احسان خود را بر سراسر جهان بگستراند. در دوره‌های پس از حکومت داوود و سلیمان که این قوم از لحاظ دینی و اخلاقی گرفتار فساد و انحطاط شده و گرایش به شرک و اتحاد در میان آنان شدت گرفته بود، غایت این آرزو و انتظار، بازگشت قدرت و وحدت و خلوص دوران گذشته بود و انتظار زمانی می‌رفت که خداوند بار دیگر پیشوایی بفرستد و قوم را از تیرمبختی نجات دهد. در دین مسیح، وقوع آخرالزمان به صورت‌های زیر بیان شده است: (۱) ایسای باید پیش از آمدن مسیح بیاید و ظهور وی وقوع دلوری بزرگ را اعلام



ارزش داده و از آنها حمایت کنند. صداهای تازه با خود نگرش‌های تازه و متنوع به ارمغان می‌آورند. در درازمدت، گفتمان‌های فراگیر این چنینی، انطباق‌پذیری خود را نشان می‌دهند؛ چون این توانمندی را دارند که به کمک نگرش‌های تازه و متنوع، مرز اختلافات و تضادها را کمرنگ جلوه دهند.

مورد پژوهی‌ای که درباره گفت‌وگوی خاص آخرالزمان^{۱۱} مسیحی در روز ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ به عمل آمد، نشان می‌دهد که این نوع گفتمان دقیقاً به دلیل استدلال‌پردازی روایی خود مانا^{۱۲} که از تولید نگرش‌های تازه ممانعت به عمل می‌آورد، بی‌نهایت پایاست. استدلال‌پردازی آخرالزمان مسیحی بر پایه این ارزشگذاری استوار است که به تغییرات اساسی بی‌پاسخ است؛ حال آنکه از اصلاحات خرد و ریز استقبال می‌کند. گفتمان مرتبط با پارادایم روایی آخرالزمان از رهگذر شکل‌پذیری روایی، آن قدر شکل‌پذیر می‌شود که می‌تواند در رسانه‌های اینترنتی نیز ظهور و بروز پیدا کند.

افراد به واسطه رسانه‌های جمعی، به طور غیرمستقیم به رخدادهایی دسترسی دارند که از آن طریق و به شیوه روزنامه، مجله و بنگاه‌های خبری‌رسانی تلویزیونی، می‌توانند روایت‌های گوناگون

کند. ۲) پس از مرگ مسیح و رستاخیز و صعود او، در هنگام رجعت او این واقعه محقق می‌گردد. ۳) رجعت عیسی و آغاز روز بزرگ و دآوری نهایی، ناگهانی است و هیچ علامتی ندارد. ۴) خواندن پیش از رجعت مسیح، در جهان روی می‌دهد که از آن جمله جنگها و بلاهای سخت و زلزله است. (م.)

20. self-sealing narrative resealing

این نوع استدلال خود-ماناسه؛ چون در متون و داستان‌پردازی کتاب مقدس ریشه دارند. (م.)

21. Siva Vaidhyanathan 22. substance of expression

23. End Times scenario

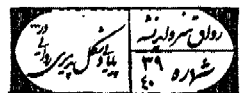
از این سناریو به جنگ آخرالزمان نیز یاد می‌کنند. بر اساس برخی اعتقادات مسیحی، حضرت مسیح زمانی رجعت می‌کند که جنگی ویرانگر جهان را نابود کند. این جنگ میان دجال (شیطان) و هواداران مسیح به راه خواهد افتاد که نتیجه محتمل آن پیروزی سربازان الهی خواهد بود. مسیحیان صهیونی متفقدند این جنگ از اسرائیل شروع می‌شود و آن زمانی است که یهودیان، مسجداقصی را ویران کرده و به جای آن هیکل سلیمان را ساخته باشند. در این جنگ، جهان از یلیدی‌ها پاک می‌گردد. بر اساس این نگرش، کمک به اسرائیل برای نابودی فلسطینیان به یک وظیفه دینی برای بنیادگرایان مسیحی بدل می‌شود. با به قدرت رسیدن محافظه‌کاران نوین در ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۰ نگرش جنگ آخرالزمانی در این کشور تقویت

خود را برسانند. از زمان ابداع شبکه جهانی اینترنت در سال ۱۹۹۲، مباحثه چند سویه درباره این‌گونه رخدادهای در گروه‌های خبری، بولتن‌های اینترنتی و پست‌های الکترونیکی، خصوصی و عمومی، به امری رایج بدل شده است. همان‌گونه که صاحب‌نظرانی مانند سیوا وایدایاناثان^{۲۱} (۲۰۰۴) مدلل کرده‌اند، در دسترس بودن جوهره بیانی^{۲۲} تبادل عمومی و خلاقیت همگانی را ممکن ساخته است. افراد از رهگذر رسانه‌های جمعی با اشخاص، علل، روایت‌های واجد پیرنگ اصلی و فرعی توانمندتر و پیچیده‌تر روبه‌رو می‌شوند. در واقع، مراودات آخرالزمان مسیحی در محیط اینترنت، به‌سان دیگر گفت‌وگوهای بین‌افردی، به سرعت گسترش یافته است.

گرچه میلیون‌ها نفر از طریق رسانه‌های جمعی غیرمستقیم، در جریان حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ قرار گرفتند، چند صد نفر از این افراد در گروه‌های گفت‌وگویی کوچک‌تر، از طریق اینترنت درباره حوادث این روز با هم مکالمه کردند. در یکی از این گروه‌ها، معتقدان به آخرالزمان مسیحی، از سناریوی آخرالزمان^{۲۳} سخن به میان آوردند؛ بر اساس این سناریو، مجموعه حوادثی رخ می‌دهد که به آمدن دوباره مسیح و پایان جهان منجر می‌شود. در این گروه، مباحثه بر سر حوادث جهان و از جمله حوادث ۱۱ سپتامبر، گونه‌ای رفتار ارتباط اینترنتی اولیه به حساب می‌آید. در محیط اینترنت، افراد زیادتری که به این عقیده معتقد بودند، در حجم معتابیهی از گفت‌وگوهای چندجانبه مشارکت جستند.

هال لیندسی^{۲۴} نویسنده، در فرآیند گفت‌وگوهای آخرالزمان بی‌اندازه تأثیرگذار عمل کرده است؛ چرا که بسیاری از کتاب‌های معروف او، روایت آخرالزمان را در فضای ژئوپلیتیک دوره جنگ سرد به رشته کلام درآورده است. در سال ۱۹۷۰، اولین کتاب اصلی لیندسی با نام مرحوم سیاره بزرگ زمین^{۲۵} با فروش ۷.۵ میلیون نسخه به یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های غیر داستانی دهه ۷۰ میلادی بدل شد. امروز پیش‌بینی می‌شود که جمعاً ۲۵ میلیون نسخه از آن به فروش رفته باشد. به تازگی، مجموعه رمان‌های تیم لاهای^{۲۶} که اولین آن در سال ۱۹۹۵ با عنوان برج مانده^{۲۷} منتشر شد، آخرالزمان لیندسی را بازنویسی کرده و آن را در قالب ادبیات داستانی ارایه داده است. کتاب‌های این مجموعه در فهرست دائمی فروش‌های برتر نیویورک تایمز قرار دارند. در اکتبر ۲۰۰۴، دوازدهمین و آخرین رمان این مجموعه با عنوان ظهور شکوهمند: پایان ایام^{۲۸} (۲۰۰۴) انتشار یافت.

پس از انتخابات سال ۲۰۰۴ ریاست جمهوری آمریکا، شکی باقی نمانده است که شمار معتابیهی از رأی‌دهندگان آمریکایی تحت تأثیر تفکر بنیادگرایی مسیحی^{۲۹} و از جمله سناریوی آخرالزمان، قرار گرفته‌اند. در خلال انتخابات مجلس سنای آمریکا در ۲۰۰۲ که جمهوری خواهان قدرت را به دست گرفتند، اطلاعات جمع‌آوری شده از سوی واشنگتن پست، نشان می‌دهد که سازمان سیاسی اصول‌گرایان - ائتلاف مسیحی^{۳۰} - به کمک شبکه راهنمای رأی‌دهندگان موجود



در اینترنت، تأثیری چشمگیر در سطح ملی بر جای گذاشته‌اند. از اواخر دهه ۱۹۸۰، پژوهشگران بسیاری تأثیرات پیچیده اصول گرایان مسیحی را بر سیاست آمریکا بررسی کرده‌اند.^{۳۱} در عین حال، نظرسنجی‌ها نیز نشان می‌دهند که افراد در جست‌وجوی مطالب مذهبی در اینترنت، روزبه‌روز در حال افزایش هستند. در سال ۲۰۰۱، ۸٪ بزرگسالان و ۱۲٪ نوجوانان از اینترنت برای جست‌وجوی تجربیات مذهبی و روحی استفاده کرده‌اند.

برای پژوهشگران دهه ۹۰، این گرایش به مباحث مذهبی موجود در اینترنت، می‌توانسته گرایشی مثبت محسوب شود و از همین رو، بسیاری از مطالعات انجام گرفته در دهه ۹۰، ارتباطات اینترنتی را با خوشبینی مورد مذاقه قرار دادند. شاید از جمله معروف‌ترین این مطالعات، آثار جون کاتز^{۳۲} است که ابتدا در مجله *وایر*^{۳۳} منتشر شدند. کاتز در مقام مشخص‌ترین آرمان‌گرای اینترنت، از داده‌های پیمایشی بهره گرفت تا نتیجه‌گیری کند که به واسطه ارتباطات اینترنتی، دولت تازه الکترونیکی شکل گرفته است؛ این جوامع متشکل از نت شهروندان^{۳۴} به گمان کاتز، آزادیخواه‌تر، تکرگراتر و از همه مهم‌تر، به طرز *ذاتی*، *تساهل‌گراترند*.^{۳۵} دیگر پژوهشگران جدیدتر مانند *کاس سانتین*^{۳۶} (۲۰۰۱) مدلل می‌سازند که جوامع اینترنتی به گونه‌هایی شکل می‌گیرند که خود را در معرض نگرش‌های سیاسی گوناگون قرار نمی‌دهند و از همین رو، نوعی عدم تساهل یا تعصب دامنه‌دار را پیشه خود می‌سازند.

امروزه پژوهشگران به مفاهیمی پیچیده‌تر می‌اندیشند مبنی بر اینکه چه ویژگی‌هایی از گفتمان اینترنتی با تعهدات گفتمانی تساهل‌گرایانه مدنی، همبستگی پیدا می‌کنند. با این حال، در گفت‌وگوی اینترنتی خاص مورد نظر من در این جستار، میان گفتمان اینترنتی و تعهدات گفتمانی تساهل‌گرایانه مدنی، همبستگی دیده نمی‌شود.

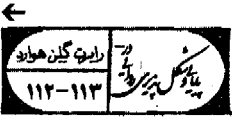
درباره این نوع گفت‌وگوی آخرالزمان اینترنتی، می‌توان دید که پایایی گفتمانی در واقع، محصول ساختار روایی گفتمان بزرگ‌تری است که به طرز اساسی، ایستا و تمیزناپذیر جلوه می‌کند. از آنجا که متون انجیلی موثق و مأذون که به مجموعه روایت‌های آخرالزمان شکل و جهت می‌دهند، شکل‌پذیری‌ای ژرف را به معرض نمایش می‌گذارند که از روابط انعطاف‌پذیر میان عناصر روایی، حاصل آمده‌اند، گفتمان آخرالزمان این توانمندی خیره‌کننده را دارد که جزئیات روایی تازه را آن‌ا به شبکه‌ای فراگیر از عقاید و نگرش‌ها بدل کند. این نوع شکل‌پذیری (روایت‌محور) مایه شگفتی است؛ چرا که گفتمان آخرالزمان از این هسته بضح می‌گیرد که متن انجیلی، روایت پیش‌گویانه نازل‌شده از جانب خداوند درباره نزدیک بودن آخرالزمان است. گرچه عجاتاً این گونه روایت آخرالزمانی برای ابناى بشر ناشناخته است، صحت آن، جای چندوچون باقی نمی‌گذارد. همان گونه که پژوهشگران مذهب همگانی و مبلغان آخرالزمان عیناً خاطر نشان کرده‌اند، تفاسیر بنیادی و ساختار روایی جانبدارانه این گونه متون، در دست بررسی است.^{۳۷} این

شد همزمانی آن با معجزه هزاره (ظهور مسیح در آستانه هزاره سوم) به فراگیر شدن نگرش جنگ آخرالزمانی در آمریکا کمک کرد. (م)

- 24. Hal Lindsay
- 25. The Late Great Planet Earth
- 26. Tim La Haye
- 27. Left Behind
- 28. Glorious Appearing: The End of Days

۳۹. بنیادگرایان مسیحی در برابر دیگر مسیحیان، خود را مسیحی حقیقی می‌پندارند و مسیحیتی را که با آنها هم‌نظر نیست خطرناک‌تر از سکولاریسم می‌شمارند و از آنها فاصله می‌گیرند. بنیادگرایی مسیحی در شکل‌های بنیادگرایی پروتستانی (کلیسای انجیلی)، کاتولیک و ارتودوکس (کلیسای متعصب شرق) و مورمون‌یسم پدیدار گردیده است. بنیادگرایان مسیح در تریف خود می‌گویند کتاب آنها، ترکیبی از انجیل عبری و عهد جدید است. عهد جدید مبین پیمان جدیدی بین خداوند و انسان‌هاست که با توجه به برنامه رستگاری بخش خداوند باید عهد قدیم را به جای بیاورد. بر پایه این اعتماد به کتاب مقدس، بسیاری از مسیحیان بنیادگرا محتوای کتاب مقدس را واژه به واژه درست می‌دانند. (م)

- 30. Christian Coalition
- 31. Brown, 2002; Corbett, 1999; Durham, 2000; Green, Rozell, & Wilcox, 2000; Kintz, 1997; Reichley, 2002.



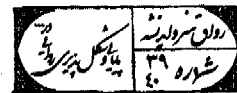
گونه تفاسیر بنیادی، وجه غالب خود را حفظ خواهند کرد دقیقاً بدین دلیل که هر مباحثه‌گر توانمند که بخواهد آنها را به چالش بکشد، می‌بایست در وهله نخست به طرز جامع از روایت بالنسبه مرموزی که این تفاسیر نقل می‌کنند، مطلع و آگاه باشد. تا آنجا که به شخص سانسین مربوط می‌شود، معدود افرادی که هنوز به نظام عقیدتی آخرالزمان مسیحی جذب نشده‌اند، ظاهراً به غور و تأمل در جزئیات روایت آخرالزمان علاقه نشان می‌دهند. به نظر می‌آید افراد معدودی که هنوز عمیقاً در حال و هوای این نظام فکری قرار نگرفته‌اند، بر آنند از طریق اینترنت پای دیگران را به این نوع مسائل باز کنند.

روش‌شناسی

در این جستار، از رهیافت تک‌موردپژوهی برای بررسی گفت‌وگوی اینترنتی منفرد و ویژه استفاده می‌کنم. با این حال، این گفت‌وگوی منفرد، بخشی از پژوهشی بزرگ‌تر و در حال انجام است که روش‌های بنیادین مشاهده همراه با مشارکت^{۳۸} و تحلیل گفتمان کیفیتی را در تحقیق اینترنتی به کار می‌بندد. برای تنظیم این گفت‌وگوی ویژه از آرشیهایی بالغ بر ۴,۲ گیگابایت گفتمان ذخیره شده، استفاده شده است. بازه زمانی پژوهش از سال ۱۹۹۴ آغاز می‌شود و در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ پایان می‌پذیرد. به هر جهت، داده‌های آرشیهی عبارت بودند از وب‌گاه‌های کامل، پست‌های الکترونیکی، داده‌های پیمایشی و مصاحبه‌های حضوری که جملگی در فاصله ماه اوت تا دسامبر ۱۹۹۹ انجام پذیرفتند. از آنجا که توانش ارتباطی در گفتمان آخرالزمان اینترنتی اساساً به واسطه تعامل اجتماعی غیررسمی حاصل می‌آید، این گفتمان و ساختارهای عقیدتی بنیادینی که از این گفتمان جانبداری می‌کنند، زیر عنوان *گفتمان بومی*^{۳۹} مطرح می‌شوند؛ چرا که گفتمان آخرالزمان سوای - و در عین حال همراه با- ارتباطات گفتمانی نهادی، یا برجاست.^{۴۰} مبادلات کلامی جالب درباره آنچه در وهله نخست ملغمه‌ای از سر اتفاق بر ساخته از دین‌شناسی، اعتقاد به اجسام پرنده ناشناخته، نظریه‌های طرح و توطئه و الهیات مسیحی بود، از جمله تجلیات این گونه رفتار گفتمانی در محیط اینترنت بود. با وجود این، از رهگذر تجربیات دست اول در این نوع جامعه گفتمانی، به ناگاه مشخص شد که در این گفتمان، هنجارهای اجتماعی بر زبان نیامده‌ای شکل می‌گیرند که رفتارهای ارتباطی افراد را قاعده‌مند می‌کنند.

برای انجام دادن این مطالعه موردی، ابتدا به ساکن، متون مأذون^{۴۱} مورد ارجاع پاسخ‌دهندگان را مطالعه کردم. از جمله مهم‌ترین این متون، یکی کتاب *مرحوم سیاره بزرگ زمین* اثر لیندسی بود. به دقت عناصر ساختاری روایت لیندسی را فهرست کردم. در حالی که به وجوه مشترک میان عناصر روایی لیندسی و گفت‌وگوهای انجام شده از طریق اینترنت دقت می‌کردم، دریافتم که به چه میزان عناصر روایی کتاب لیندسی در برساختن داستان‌های مبادله شده در گفت‌وگوهای اینترنتی درباره آخرالزمان، به افراد مشارک در گفتمان یاری رسانده است. زمانی که این مستندات

32. Jon Katz
33. Wierd
34. netizens
35. inherently tolerant
36. Cass Sunstein
37. Brummett, 1991; Darsey, 1997; O'Leary, 1994; Wojcik, 1997
38. participant observation
39. vernacular
40. Howard, 2005; Primiano, 1995; Yonder, 1974
41. authorizing texts



را مرور می‌کردم، با وبگاهی آشنا شدم با نام سایت پیشگویی *انجیل*.^{۳۳} به سبب ساختار و محتوای این سایت، به گفت‌وگویی برخورددم که در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ از حملات تروریستی روز ۱۱ سپتامبر خبر می‌داد. از آنجا که این حملات، غیرقابل پیش‌بینی است، این گفت‌وگوی اینترنتی این جرقه را به ذهنم خطور داد که چگونه رخدادی که به هیچ‌رو قابل پیش‌بینی نیست، می‌تواند با سناریوی از پیش‌موجود آخرازمان در کتب مقدس ممزوج شود. از آنجا که این رخدادها سیاست کشورهای خاورمیانه را نیز شامل می‌شدند، هیچ شک و شبهه‌ای باقی نماند که معتقدان به نزدیک شدن آخرازمان، بدشان نمی‌آید که چنین اتفاقی رخ دهد. سپس با مطالعه دقیق این گفت‌وگوی ویژه مشخص شد که عده‌ای از افراد شرکت‌کننده در گفت‌وگوی اینترنتی به چه ترتیب سناریوی آخرازمان را با حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ارتباط داده‌اند.

قدرت خود - تنظیم‌کنندگی شکل‌پذیری روایی گفتمان آخرازمان

در سال ۱۹۵۶، *نون فستیوگر*^{۳۴} تبیین کرد که چگونه اعضای یک فرقه مذهبی با وجود ناکامی رهبرشان در پیشگویی حوادث، سرسختانه و مصرانه بر عقاید و باورهای خود پافشاری کردند.^{۳۳} به تازگی بری برومست^{۳۵} (۱۹۹۱) بیان کرده است که چگونه گفتمان آخرازمان برای افرادی که جهان‌بینی فعلی خود را در معرض تهدید می‌بینند، به منزله مجموعه‌ای هماهنگ ایفای نقش می‌کند. از حیث لفاظی، گفتمان آخرازمان، جایگزین نظام‌های توجیهی موجود می‌شود که مخاطب آن‌ها را از دست رفته تلقی می‌کند. *جیمز داریسی*^{۳۶} (۱۹۹۷) نیروی این نظام توجیهی را به عهد عتیق مربوط می‌داند. استدلال آخرازمان به منزله نظامی که در پی تثبیت ادراک مشارکین خود از جهان پیرامون است، فقدان مدرک و شاهد را گواه ادعای خود معرفی می‌کند.

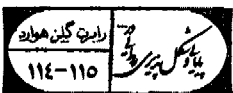
در سال ۱۹۹۴، *استیون آلری*^{۳۷} تحلیل مشهور خود از رتوریک آخرازمان مسیحی را با نام بحث *درباره آخرازمان*^{۳۸} منتشر کرد. آلری نتیجه‌گیری کرد که رتوریک آخرازمان به تعبیر کنث برک،^{۳۹} اساساً تراژیک است. آخرازمانیت، نظام بسته‌ای از تفاسیر است که در برابر تغییرات مقاومت می‌کند و تا حدودی نیز به مباحثه و تغییر تن نمی‌دهد. آلری با نگاه به اثر مشهور و معاصر هال لیندسی خاطر نشان کرد که:

راهبرد لیندسی به گونه‌ای است که اعتبارنامه تمام صاحب‌منصبانی را که با رویکرد آخرازمانی او مخالفاند، باطل می‌کند و مخالفت آن‌ها را به جانب‌داری از ادعای او درباره آخرازمان بدل می‌کند.

دانیل ویچیک^{۴۰} (۱۹۹۷) نیز به همین ترتیب ولی از موضع نظری متفاوت‌تر، استدلال می‌آورد که گفتمان آخرازمان معاصر عمیقاً تقدیرمدار است:

تقدیرگرایی^{۴۱} نه فقط *اس*^۴ و اساس نگرش آخرازمانی آمریکایی است، بلکه وجه غالب تفسیر تجربیات و ادراک نیز محسوب می‌شود.

- 42. Bible Prophecy Corner
- 43. Leon Festinger
- 44. Festinger, Riecken, & Schachter, 1956
- 45. Barry Brummett
- 46. James Darsey
- 47. Stephen O'Leary
- 48. Arguing the Apocalypse
- 49. Kenneth Burk
- 50. Daniel Wojcik
- 51. fatalism



52. counterargument

۵۲. کلمه *المسیح الدجال* (در عربی به معنی مسیح دروغین) ۳۰۰ سال پیش از اسلام برای ترجمه *Msiha* از *Daggala* از سریانی به عربی استفاده شده است که معادل یونانی آن *antichristos* و معادل فارسی آن ضد مسیح است. موضوع دجال و مبارزه او با دولت حقه در پایان جهان در منابع مسیحی و اسلامی آمده است. عبارت دجال در عهد جدید چندین بار تنها در رساله یوحنا آمده است و مقصود کسی است که با مسیح مقاومت یا ضدیت کند و مدعی آن باشد که خود در جای مسیح است. در نامه اول یوحنا آمده است:

دروغگو کیست جز آنکه مسیح بودن عیسی را انکار کند؟ آن دجال است که پدر و پسر را انکار می نماید.

باز در همان رساله آمده است: شنیدم که دجال می آید. الحال هم دجالان بسیار ظاهر شدند و از این می دانم که ساعت آخر است.

در جای دیگر در همان رساله می گوید: و هر روحی که عیسی مجسم شده را انکار کند از خدا نیست و این است روح دجال که شنیدم که او می آید و الان هم در جهان است.

برخی از علمای مسیحی از جمله صاحب قاموس کتاب مقدس، دجال را اسم عام می دانند. به تصور وی مراد از دجال و دجالان کسانی هستند که مسیح را تکذیب کنند و این معنا از عبارات انجیل نیز استفاده می شود. همچنین گفته شده دجال یا ضد مسیح، شخصی است که در آخرالزمان قیام

منظور ویچیک از تقدیرگرایی این اعتقاد است که:

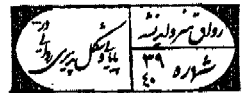
اراده و تلاش انسان برای تغییر نتیجه برخی رخدادهای بی فایده است.

این پژوهشگران به طرزى کارآمد نشان داده اند که چگونه ساختار روایی و اعتقاد بنیادین به گفتمان آخرالزمان به شدت ثابت و ایستاست. آلری (۱۹۹۴) در سطح گفتمان جدلی به این نکته اشاره کرده است؛ آلری گفته است که چگونه لیندسی با پیش بینی جدلها و زدن برچسب نشانه بدانها، خود را در برابر دلایل نقضی^{۵۲} این گفتمان، نفوذناپذیر نشان داده است. ویچیک در سطح عقیده نشان داد که چگونه مؤمنان به گفتمان آخرالزمان، از این روایت که پایان تاریخ و سرنوشت اشخاص را به دست خدا می داند، جانبداری می کنند. ویژگی های گفتمان آخرالزمان به گونه ای است که از رهگذر پیش بینی حوادث و مسدود کردن ادعاهای انحرافی، ساختار روایی این نوع گفتمان را لایتغیر نگاه می دارد.



مشارکین در این گفتمان جملگی معتقدند که آخرالزمان نزدیک است ولی به نظر می آید که این پایان هرگز فرا نمی رسد. احتمالات بسیاری مطرح می شود بر سر اینکه چه کسی قرار است نقش ضد مسیح^{۵۳} را بازی کند و یا این که فن آوری چه نقشی در آخرالزمان ایفا خواهد کرد؟ مشارکین در گفتمان آخرالزمان به محض رویارویی با اطلاعات جدید یا حتی رخدادی تاریخی مانند حوادث ۱۱ سپتامبر، این آمادگی را دارند که بدون هیچ دستکاری در ساختار روایی موجودی که به آن معتقدند، اطلاعات جدید را با جهان بینی خود ممزوج کنند.

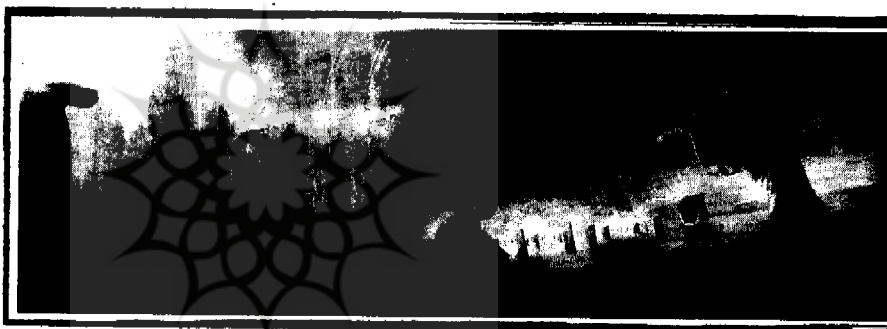
با وجود ماهیت ایستای ارزش های بنیادین آخرالزمان مسیحی و ساختار روایی موجود، گفتمان آخرالزمان اینترنتی در پرتو حدوث مستمر جزئیات تازه، خود را هرچه بیشتر تثبیت می کند. به ویژه، حدوث رخدادهای جاری جهان بی آن که نظام تفسیری بنیادین گفتمان آخ الزمان را چالش پذیر کند، احتمالات پیش روی آن را افزایش می دهد. گرچه تبعیت گفتمان از تفسیر محدود متون انجیلی، گفتمان آخرالزمان را اساساً محدود کرده است، خود همین محدودیتها



مواضع اولیه‌ای را تشکیل می‌دهند که گفتمان آخرالزمان از آن طریق می‌تواند جزئیات انعطاف‌پذیرتری از مواضع عقیدتی مرتبط با خود را آشکار سازد.

چهارچوب نظری‌ای که *والتر فیشر* دربارهٔ پارادایم روایی^{۵۴} در گسترده‌ترین معنای کلمه، ارائه داد، نشان می‌دهد که ابنا‌ی بشر ماهیتاً نه صرفاً با *لوگوس*^{۵۵} یا منطق بلکه و شاید اول از همه، با *میتوس*^{۵۶} یا با داستان، می‌اندیشند. پارادایم روایی مردم را داستان‌گویان یا نویسندگانی در نظر می‌گیرند که متون زندگی و ادبیات را نقادانه می‌خوانند و ارزیابی^{۵۷} می‌کنند.

ادعای فیشر از زمان انتشار کتاب او با نام *مراودات انسانی به منزله عمل روایت*^{۵۸} در سال ۱۹۸۷، با انتقاداتی روبه‌رو بوده است؛ چرا که ظاهراً به ماهیت اساساً محافظه‌کارانهٔ مخاطبان در ارزیابی نگرش‌های جدید اشاره می‌کند. به گمان فیشر، انسان‌ها بر اساس قواعد روایت یا منطق روایت دربارهٔ ادعاهای^{۵۹} تازه قضاوت^{۶۰} می‌کنند. مخاطبان ادعاهای جدید را از نقطه‌نظر صحت و



پیوستگی روایی^{۶۱} ارزیابی می‌کنند و افراد بر پایهٔ پیوستگی روایی دربارهٔ ادعاهای مطرح شده، قضاوت می‌کنند. این افراد می‌خواهند بدانند که آیا ادعاهای جدید با مقتضیات پیشرفت پیرنگ روایت در متون مقدس بدان‌گونه که آنان می‌شناسند، همخوانی دارد یا ندارد. بیفزاییم که این افراد بر اساس صحت روایی نیز ادعاهای جدید را ارزیابی می‌کنند. این عده با ارزیابی می‌خواهند بدانند که آیا ساختار روایی ادعاهای جدید با تجربیات شخصی آنها از کتاب مقدس موافق است یا مخالف. از آنجا که نگرش‌های تازه بر اساس ارزش‌های از پیش موجود ارزیابی می‌شوند، پارادایم فیشر تلویحاً بیان می‌کند که بنیان روایت برای قضاوت دربارهٔ ادعاها از بیخ و بن محافظه‌کارانه است. با این حال، این مسئله دربارهٔ گفتمان اینترنتی آخرالزمان مسیحی، قطعاً مصداق دارد.

در گفتمان آخرالزمان مسیحی، افراد در درک ساختار روایی و نیز پیامدهای پیوستگی روایی نقشی کارآمد ایفا می‌کنند. زمانی که تجربه‌های تازه این ادراک روایی را به چالش می‌کشد، می‌بایست صحت روایی از پیش مفروض ستاریوی آخرالزمان را مورد پرسش قرار داد. دربارهٔ

کرده و مسیح، رجعت کرده او را از پای در خواهد آورد. (م)

۵۲. narrative paradigm . پارادایم، الگو و طرح کلی یا نمونهٔ نخستین است. در اینجا روایت، حکم چهارچوب و الگویی کلی و نمونه‌ای را دارد و دیگر روایت‌ها از این الگو نشأت می‌گیرند. (م)

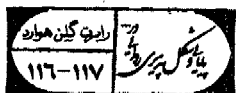
55. logos

56. myths

لوگوس در یونانی به معنای کلمه است و گاهی برای بیان منطق و عقل نیز به کار می‌رود. و گاهی نیز معنای اصل روشنفکرانهٔ کیانی را دارد (فائر، ۱۹۸۷، ص. ۵۴). برای درک واژهٔ *لوگوس* باید

پیش‌زمینه‌های یونانی و یهودی آن را بررسی کرد در ادبیات یونان، *لوگوس* حاوی تنوع قابل ملاحظه‌ای از معانی است. هرلکتیویس، *لوگوس* را قدرت الهی برای بخشیدن انسجام، معنا و یکپارچگی به کائنات تعریف می‌کند. برای او *لوگوس* محور نظم کائنات است. فیلسوفان رواقی، *لوگوس* را عقل کل می‌دانستند که به واسطهٔ آن، کائنات خلق و اداره می‌شدند. برای رواقیون، *لوگوس*، علت‌المعلل نظام آفرینش تلقی می‌شد. فیلمون، فیلسوف یهودی نیز *لوگوس* را نقشهٔ خدا و قدرت او برای خلق و تدوین خلقت تعریف می‌کند. شایان ذکر است که واژهٔ *لوگوس* در ترجمهٔ یونانی عهد عتیق معادل ترجمهٔ هفتاد *Dabar* است. *Dabar* علت بنیادی همه چیز است که با پیام و عمل تجلی پیدا می‌کند. (مزمور ۲۰:۱-۷ و تنبیه ۴۴:۳۲-۳۷) برای درک بهتر این واژه ضروری است

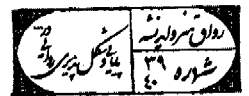
←



که به پیش‌زمینه‌های اعتقادی یهودیان درباره مفهوم حکمت اشاره کرد؛ زیرا که نمایانگر یگانگی ذات مسیح با خداست. لوگوس مکاشفه تفکر و شخصیت خداست. دریدا از این واژه کلام‌محوری (logocentrism) را ساخته و معتقد است تمام فلسفه غرب بر اساس همین کلام‌محوری قرار دارد. سپس، دریدا این واژه را واسازی کرده و آن را در برابر نوشتارمحوری قرار داده است. تقابل این دو، تقابل حضور در برابر غیاب است. ارسطو در بوطیقا، میتوس را به معنای طرح داستان یا پیرنگ به کار می‌برد. میتوس از میت (myth) می‌آید، به منابع داستان یا افسانه شفاهی. باری، به نظر می‌آید منظور فیشر این است که برای ابنا‌ی بشر داستان و داستان‌پردازی بر منطق یا خردگرایی ارجح است و بشر دوست دارد حوادث پیرامون خود را در قالب داستان ببیند. (م)

- 57. assess
- 58. Human Communication as Narration
- 59. claims
- 60. judge

در اینجا ضروری است میان واژگان ارزیابی، ادعا و قضاوت تمایز قائل شویم. اول اینکه، ارزیابی با ارزش‌گذاری (evaluation) فرق دارد. در ارزیابی ادعایی یا اظهارنظری به طریق علمی و نقادانه بررسی می‌شود ولی در ارزش‌گذاری یا قضاوت، عوامل فردی از جمله اظهارنظرهای شخصی و اخلاقی نیز دخالت دارند. ادعا نیز ایده یا بحث اصلی یک استدلال (argument)



واکنش به تجربه غیرمترقبه پوشش خبری حملات ۱۱ سپتامبر در رسانه‌ها، مخاطبان این تجربه تازه را به سرعت و به گونه‌ای ادراک کردند که با فهم مشترک آن‌ها از روایت کلی آخرالزمان همخوانی پیدا کرد. از این حیث، ساختار روایی سناریوی آخرالزمان به قدری خود را شکل‌پذیر جلوه می‌دهد تا با تجربیات جدید و غیرمترقبه همخوانی و هماهنگی پیدا کند و از همین رو، نشان می‌دهد که گفتمانی به غایت پایاست.

گفتمان آخرالزمان همانند دیگر اعتقادات مذهبی، برای فهم جهان، نوعی نیروی الهی در اختیار افراد دخیل در گفتمان قرار می‌دهد. درباره سناریوی آخرالزمان مسیحی، این نیروی الهی همان وعده دادن پیروان به زندگی پس از مرگ است. بنابراین، مادام که اعتقاد فردی به جهان‌بینی پایان جهان، استوار و پابرجاست، مؤمنان انگیزه دارند که در صحبت درباره آن مشارکت کنند. به گمان عمده مشارکین، نکته اساسی، پایبندی به برخی ارزش‌های بنیادین گفتمان آخرالزمان است. این ارزش‌ها کاملاً آشکار و مشخص‌اند.

مشخص‌ترین این ارزش‌های بنیادین در اعتقادات پایان جهان مسیحی عبارت‌اند از:

الف) این که ابنا‌ی بشر ذاتاً گناهکار هستند؛

ب) اینکه مسیح برای نجات انسان از آن گناه، بخشش الهی را به ارمغان آورده است؛

پ) اینکه کتاب مقدس از جانب خداست و خدشه‌ناپذیر است؛

ت) اینکه تفسیر مشخص در کتاب مقدس از وقوع مجموعه رخدادهایی خبر می‌دهد که به پایان جهان و پادشاهی هزاره‌ای مسیح ختم می‌شود؛

ث) اینکه حواریون و مؤمنان واقعی در سلطنت هزاره‌ای مسیح بدو خواهند پیوست؛

ج) اینکه ابنا‌ی بشر از زمان دقیق یا ماهیت رخدادهای آخرالزمان، تا رخ ندهند یا در مرحله وقوع نباشند، مطلع نخواهند شد.

مؤمنانی که می‌خواهند در پادشاهی هزاره‌ای مسیح در کنار او باشند، پایان جهان و نزدیکی بازآیی مسیح را با شوق و شور فراوان انتظار می‌کشند. در چشم غیر مؤمنان، پایان جهان یا عصر محنت^{۶۲} دست بالا را که بگیریم، دورانی نامطبوع خواهد بود که جنگ، بیماری، تجاوز دولت‌ها و درد و غم بشری بر آن سایه گسترده است. با این حال، در چشم مؤمنان به‌ویژه آن‌هایی که منتظرند در شور و جذبه الهی غرق شوند یا اینکه پیش از آغاز عصر محنت از این کره خاکی رخت بریندند، نزدیکی زندگی پس از مرگ در سایه حکومت صلح‌آمیز، رخدادی بس قریب‌الوقوع است که آنان انتظارش را می‌برند.

از این گونه ارزش‌های بنیادین مربوط به پایان جهان که عموماً از آن به پیشاهزاره یاد می‌کنند، در جنبش‌ها و مکاتب گوناگون بنیادگرایی مسیحی، عید خمسین^{۶۳} و جهان‌بینی پروتستان انجیلی ذکر به میان آمده است. حتی برخی، این مؤلفه‌های اساسی را نتایج ضروری

استدلال مارتر لوتر^{۶۴} علیه آزادی اراده می‌دانند. با این حال، شکل کنونی این ارزش‌های بنیادین، دست‌کم را که بگیریم، به عقاید چارلز نلسون داری^{۶۵} در قرن نوزده بر می‌گردد. داری بر این باور بود که رخدادهایی سرنوشت‌ساز، اینای بشر را به سمت مجموعه‌دوران یا مقدرات الهی رهنمون خواهد شد. وضعیت کنونی، از آن مشیت یا عصر کلیساست. این مشیت که با تصلیب مسیح آغاز شده است، با جذب و شور و شوق دیدار مسیح پایان می‌پذیرد.

بخشی از طولانی شدن مدت زمان نزدیکی پایان جهان [یا بازایی مسیح] به دلیل تأکید بر این نگرش است که هیچ بنی بشری به درستی نمی‌داند که آخرالزمان چه هنگام فرا خواهد رسید. این ارزش بنیادین یعنی نامشخص بودن آخرالزمان در انجیل متی باب ۲۴ آیات ۳۵-۳۶ آمده است:

آسمان و زمین از بین خواهند رفت ولی کلام من تا ابد باقی خواهد ماند ولی هیچ‌کس نمی‌داند چه روزی و چه ساعتی دنیا به آخر خواهد رسید. حتی فرشتگان نیز از آن بی‌خبرند، فرزند خدا نیز از آن بی‌خبر است. فقط پدرم، خدا آن را می‌داند.^{۶۶}

در پرتو همین ارزش بنیادین که در کتاب مقدس آمده است، عمده موعظه‌گران پیشگویی محور، با قطعیت درباره تفاسیر خود از متون انجیلی اظهار نظر نمی‌کنند. برای نمونه، هال لیندسی در مقدمه کتاب مرحوم سیاره بزرگ زمین، بیان می‌کند:

می‌خواهم به کناری بایستم تا پیامبران، خود رشته کلام را به دست گیرند، خوانندگان مختارند که نتیجه‌گیری‌های مرا بپذیرند یا نپذیرند.

لیندسی با حرکتی هوشمندانه هرگونه تماس خود را با منابع الهی منکر می‌شود ولی در عوض، تفاسیر خود را ملهم از نیروی الهی می‌داند که مسیحیان معتقدند در کتاب مقدس مستتر است. در همان حال، لیندسی و موعظه‌گرانی که حول و حوش مسئله پایان جهان بحث می‌کنند، راه مغری برای خود باز می‌گذارند. گرچه جای شک و شبهه برای مؤمنان به آخرالزمان باقی نمی‌ماند که مسیح در نهایت روزی به زمین باز خواهد گشت، سوای اینکه مفسر چه اندازه انسانی نیک‌سرشت است، تفسیر او درباره اعلام زمان بازگشت مسیح تفسیری نادرست خواهد بود. در چشم مؤمنان به نزدیکی آخرالزمان، این گونه تفاسیر اشتباه، گواه این حقیقت است که ساختار روایی بزرگ‌تر آخرالزمان یا ارزش بنیادینی که از این ساختار جانب‌داری می‌کند، به تمامی نادرست‌اند.

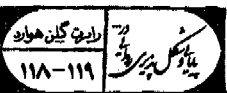
کتاب‌های مشهور لیندسی درباره پایان جهان بی‌آنکه به طور خاص ادعایی را درباره نیروی الهی مطرح کنند، راه گفتمان آخرالزمان را بر روی هرگونه مباحثه و مجادله گشوده می‌گذارند. با این حال و از همه مهم‌تر اینکه، رویکرد لیندسی به گفتمان آخرالزمان به دلیل جسارت او در بیان مباحث کهن مسیحی در قالب مجموعه رخدادهای ژئوپلیتیک معاصر، مخاطبان بسیاری پیدا کرده است. بسیاری از این رخدادهای به گونه‌ای هستند که خوانندگان عصر رسانه‌های ارتباط جمعی را قادر می‌سازند این رخدادهای را در جریان غالب رسانه‌های خبری دنبال کنند. بر اساس

است. ادعا در واقع، نتیجه‌ای است که استدلال از مخاطب می‌خواهد که آن را بپذیرد (م).

۶۱ narrative consistency and fidelity به نظر می‌آید عدول نکردن از منطق روایی و حفظ یکدستی و انسجام متن، وفاداری و پیوستگی روایی نام دارد. (م)

62. tribulation period
۶۳ Pentecostal در یهودیت، مربوط به عید پنجاهه، عید خمین، عید گل، عید گلریزان (پنجاه روز پس از عید فطیر)؛ در مسیحیت، مربوط به عید پنجاهه، مربوط به عید خمین، مربوط به یکشنبه سفید (هفتمین یکشنبه پس از عید پاک). (فرهنگ هزاره، حق شناس، ص. ۱۲۵۰) (م).

64. Marter Luther
65. Charles Nelson Darby
66. Heaven and earth shall pass away, but my words shall not pass away. But of that day and hour knoweth no man, no, not the angels of heaven, but my Father only.



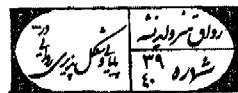
مجموعه روایت‌های لیندسی، رفتارهای گفتمانی افراد به گونه‌ای جلوه می‌کنند که با ساختار روایی و ارزش‌های بنیادین مؤمنان به آخرالزمان در کتب مقدس، همخوانی پیدا می‌کند. برای مؤمنان به آخرالزمان امروزین، ضروری است که ارزش‌های بنیادین و مجموعه روایت معاصر را درونی کنند تا بتوانند در رفتار گفتمانی آخرالزمان مشارکت پیدا کنند.

فهرستی از خطاسیر روایی بدان گونه که در کتاب مرحوم سیاره بزرگ زمین لیندسی آمده است، نشان می‌دهد که چگونه موضوعات به چرخه گفتمانی ارزش‌های بنیادین مشارکین در گفتمان آخرالزمان، هدایت می‌شوند. اگر خطاسیر روایی کتاب لیندسی را به مؤلفه‌های اصلی آن فرو بکاهیم و آن‌ها را به صورت گاهشماران پست سر هم ردیف کنیم، طرحواره زیر حاصل می‌آید:

۱. طلوع امپراطوری روم در قالب بازار مشترک اروپا پیش از ۱۹۸۸؛
 ۲. برقراری دولت جهانمدار به رهبری ضد مسیح [دجال یا مسیح دروغین]؛
 ۳. ضد مسیح به همراه دولت جهانی و اسرائیل علیه روسیه وارد مبارزه می‌شوند؛
 ۴. ضد مسیح بر اثر جراحت وارد شده بر سرش می‌میرد ولی به طرز معجزه‌آسایی نجات می‌یابد؛
 ۵. ضد مسیح را در مقام خدا پرستش می‌کنند؛
 ۶. ۶۶۶ خال بر پیشانی یا کف دست از نشانه‌های اقتصادی بازار مشترک اروپاست؛
 ۷. معبد اورشلیم بازسازی می‌شود؛
 ۸. اعراب، دولت‌های آفریقایی و اتحاد جماهیر شوروی به اسرائیل حمله می‌کنند؛
 ۹. چین به نیروهای همراه ضد مسیح حمله می‌کند؛
 ۱۰. ضد مسیح با حمله اتمی متحدان، اتحاد جماهیر شوروی را نابود می‌کند؛
 ۱۱. تسلیحات اتمی یک‌سوم دنیا را ویران می‌کنند؛
 ۱۲. مسیح برای حمایت از ایمان که همان جذبۀ پنهان است، باز می‌گردد؛
 ۱۳. گراییدن جمعی یهودیان به مسیحیت؛
 ۱۴. آرماگدون؛^{۶۷}
 ۱۵. برقراری بهشت بر ساخته از تسلیحات هسته‌ای برای هزار سال؛
 ۱۶. مسیح، شورش ضد مسیح را سرکوب می‌کند؛
 ۱۷. مؤمنان به همراه مسیح به بهشت وارد می‌شوند؛
- تک‌تک عناصر این طرحواره بر اساس مجموعه آیات کتاب مقدس است. با این حال، لیندسی به طرز کارآمد آن‌ها را به روز رسانی کرده تا با خطامشی سیاسی امروز جهان همخوانی پیدا کند. امپراطوری روم که مدت‌ها پیش از میان رفته است، جایش را به بازار مشترک اروپا می‌دهد، چرا

۶۷. آرماگدون (Armageddon) به کوه مجیدو (Magiddo) اطلاق می‌شود که در ۹۰ کیلومتری اورشلیم و ۳۱ کیلومتری جنوب غربی شهر کنونی حیف واقع است. این کوه شامل منطقه‌ای است که از نظر باستان‌شناس اهمیت زیادی دارد. آرماگدون نام مکانی است که در انجیل جدید ارزش نمادین دارد و تنها یک بار در بخش آپوکالیپس فصل ۱۶ آیه ۱۶ آمده و به این مفهوم است که در آینده این مکان شاهد حادثه‌های غارق‌الماده خواهد بود: از معبد، صدایی مهیب برخاست که به هفت فرشته چنین می‌گفت: بروید و هفت جام خشم خداوند را بر زمین بریزید...

آرماگدون محل تجمع پادشاهان شرق خواهد بود. تسخیر فرشته جام خود را روی فرات می‌ریزد تا آن را خشک کرده و راه پادشاهان شرق را هموار سازد. آرماگدون مکان نمادین نبرد خیر و شر و جلوه‌گاه خشم خداوند (فصل ۶ از آپوکالیپس آیه ۱۲) خواهد بود. اصطلاح آرماگدون مکرراً در فرهنگ معاصر به کار گرفته شده است. در سال ۱۹۹۵ میکائیل بای Michael Bay فیلمی به همین نام ساخت. (م)



که این اتحادیه مشترک به گمان لیندسی، مشترکات بسیاری با امپراطوری زوال یافته روم دارد. با اینکه، امپراطوری روم و بازار مشترک اروپا به لحاظ منطقی دو مقوله کاملاً مجزایند، پیوستگی روایی میان آن دو حفظ شده است؛ چرا که اروپا جامعه‌ای بزرگ است که تا حدودی به اورشلیم نزدیک است. از آنجا که به گمان روایت لیندسی، دولتی بزرگ در اورشلیم ایجاد می‌شود، روی سخن طبیعی گفتمان آخرالزمان با اروپای متحد در مقام ماوای اصلی ضد مسیح، است. از آنجا که عمده روایت‌ها در ساختار روایی‌ای مشترک با نظم و آرایش یکسان، ریشه دارند، پیوستگی روایت، راه را بر هجوم نگرش‌های جدید بر می‌بندد.^{۶۸} برای نمونه، پس از شبه‌قیامی که رهبر امپراطوری روم در رخداد ۴ انجام داده و به رهبری بازار مشترک اروپا انتخاب شده است، ضد مسیح جانشین او می‌گردد. وانگهی، انتظار این است پس از آنکه ضد مسیح قدرت را در دست گرفت (رخداد ۲)، او را چونان خدا پرستش کنند. (رخداد ۵)

از این نظر، سازگان نحوی بنیادین ساختار روایی می‌بایست لایتغیر باقی بماند و تقاسیر خاص متون انجیلی نیز با این گونه سامان‌مندی رخدادها همخوانی دارند. این عناصر گفتمان هنوز در دست بررسی است. با این حال، راه برای مباحثه در این باره بسته نیست. در عوض، این گونه مباحث، به گفتمان اینترنتی جذاب دامن زده است؛ گفتمانی نه درباره رخدادها که به لحاظ ساختاری ضروری روایت، بلکه درباره رخدادهای جاری جهان و این احتمال که این گونه رخدادها می‌توانند جافتادگی‌های روایی را پر کنند و از همین رو، بر پایه ساختار هسته‌ای، روایتی موثق و قابل اعتماد را برسازند.

به دلیل ابهام خود متون انجیلی و نیز به سبب آنکه لیندسی و دیگران هیچ‌گونه ادعایی درباره تماس با نیرویی الهی ندارند، معتقدان امروزی به پایان جهان به سهولت قادرند که نگرش بازار مشترک اروپایی را با آنچه امروزه آن را *اتحادیه اروپا* می‌نامند، جایگزین کنند. در واقع، حرکت به سمت اروپای واحد بر آنچه لیندسی پیش‌بینی کرده است، مهر تأیید می‌زند. از این حیث، روایت تازه برساخته شده با آنچه ابتدا ارائه شده بود، یکسان نیست. پرسش‌هایی که در اینجا مطرح می‌شوند، عبارت‌اند از:

چه کسی نقش ضد مسیح را ایفا خواهد کرد؟ آیا نشانه آمدن حیوان وحشی، کاشته‌ای ریزترانه‌ای خواهد بود یا فقط یک خال؟ چه تغییرات سیاسی‌ای در اسرائیل و فلسطین روی خواهد داد که به بازسازی معبد اورشلیم ختم خواهد شد؟

از آنجا که ماهیت دقیق رخدادهای مربوط به آخرالزمان همیشه نامشخص است، عناصری که می‌توانند جافتادگی‌های روایی این گفتمان را پر کنند، مجموعه‌ای متنوع از مباحث یا موضوعات خواهند بود. و نیک پیداست که پیرنگ سناریوی آخرالزمان، این موضوعات و مباحث را تعیین می‌کنند. گرچه برخی ادعا کرده‌اند که چین، همان امپراطوری جدید روم خواهد بود، عده‌ای نیز

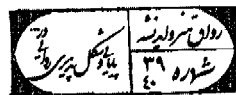
۶۸ به احتمال زیاد منظور نویسنده این است که وقوع رخدادها سیر گاهشمارانه ندارند و این‌گونه نیست که رخدادها پشت سر هم و به همان ترتیبی که در واقعیت رخ می‌دهند، اتفاق بیفتند. در حقیقت، رخدادها به ترتیب زمانی رخ نمی‌دهند ولی پیوستگی و انسجام روایت که نگرش‌های جدید روایت را از سیر منطقی خود منحرف سازند (م).



این گفته را قبول ندارند؛ چرا که چین کشوری آسیایی است و امپراطوری روم در اصل اروپایی است. وانگهی، معبد اورشلیم نیز می‌بایست پیش از وقوع آخرالزمان بازسازی شود. بنابراین، عده‌ای بر این باورند که اتحادیه اروپا/رهبر ملل متحد/خدا/ ضد مسیح جملگی از اسرائیل سر برخواهند آورد. هر چند، این رهبر / خدا/ ضد مسیح می‌تواند به سهولت از سرزمینی جدید نیز قیام کرده و رهبر ملل متحد را با اتحادیه اروپا متحد کرده و یک دولت جهانی تشکیل دهد. به گمان مؤمنان به آخرالزمان شرکت‌کننده در گفتمان اینترنتی، این نوع استدلال‌پردازی روایی تمام‌ناشدنی است. توان مبادله جزئیات خاص در عمل روایت، چونان سوخت برای ارتباط اینترنتی درباره آخرالزمان عمل می‌کند.

۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نوعی ناراحتی فزاینده، سردرگمی، عصبانیت و شگفتی در ارتباط اینترنتی درباره آخرالزمان دیده می‌شود؛ وضعیتی که بر سرتاسر جهان نیز مستولی می‌شود. به سبب اهمیت بازسازی معبد اورشلیم در اسرائیل در آخرالزمان، مسیحیان علاقه‌مند به پایان جهان، توجه ویژه‌ای به رخدادهای خاورمیانه از خود نشان دادند. خیلی زود مشخص شد که افراد دخیل در سیاست خاورمیانه، هوایمهای تجاری را رها کرده‌اند و معتقدان به آخرالزمان، این گونه حملات را به دیدگاه منحصر به فرد ژئوپلیتیک خود مرتبط دانستند. از آنجا که روایت آخرالزمان اساساً تغییرپذیر است، رخدادهای ۱۱ سپتامبر به نوعی رفتار گفتمانی بدل شد. در این گفتمان، حملات ۱۱



سپتامبر به روایت کلی نزدیکی آخرالزمان ارتباط داده شد. موردپژوهی مبتنی بر گفت‌وگوی اینترنتی که در روز ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ به عمل آمد، بر ویژگی شکل‌پذیری گفت‌مان آخرالزمان اینترنتی تأکید می‌کند.

از جمله بزرگ‌ترین و مشهورترین پایگاه‌های اینترنتی مربوط به آخرالزمان، یکی، پایگاه پیشگویی انجیلی است. این پایگاه که مارلین اگی^{۶۹} آن را در سال ۱۹۹۶ راه‌اندازی کرد، به نوعی پرسش و پاسخ بدل شده است. آگی از طریق این پایگاه خود را شخصی ذی‌نقوذ نشان داده که این توانایی را دارد تا خارج از هرگونه ساختار قدرتی خاص، نقش متالهی عرفاً مذکر را ایفا کند. آگی پیش از اینکه پایگاه خود را راه‌اندازی کند، نویسنده مسیحی مشهوری بود. آگی که مدت‌ها به اتفاق همسرش شرکتی کوچک را اداره می‌کرد، در دوران بازنشستگی به مطالعه کتاب مقدس پرداخت. حاصل مطالعات او سه کتاب بود که به گفته خودش بیش از ۹۰۰۰۰ نسخه آنها به فروش رفت. با ازدیاد خوانندگان کتاب، آگی نامه‌هایی از آنها دریافت می‌کرد که کتاب‌های او را الهام‌بخش و روشنگر معرفی می‌کردند. آگی به همه نامه‌ها پاسخ می‌داد ولی طبیعی است که این کار تمام وقت او را می‌گرفت. در این زمان به اتفاق همسرش، کامپیوتری دست دوم تهیه کرد و از طریق پست الکترونیکی، پایگاهی به صورت پرسش و پاسخ میان خود و خواندگانش راه‌اندازی کرد. به زودی دریافت که از طریق پایگاه اینترنتی می‌تواند حتی بیش از انتشار کتاب، خواننده پیدا کند. از این‌رو، آگی با یادگیری طراحی پایگاه اینترنتی، اولین نسخه از سایت مشهور پیشگویی انجیلی خود را راه‌اندازی کرد.

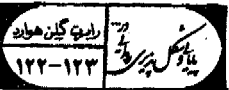
در سال ۱۹۹۸ زمانی که آگی پیشگویی خود را اعلام کرد مبنی بر اینکه عصر محنت با جذبه‌ای جمعی در عید خمسین همین سال شروع خواهد شد، به شهرت فراوان رسید. در سپتامبر ۱۹۹۹ من با او و همسرش در ریورساید کالیفرنیا^{۷۰} مصاحبه کردم. به من گفت که او چگونه درباره دانش لایزال الهی چنین ادعایی کرده است. گفت که هفت سال تمام وقت صرف کرده و هرچه را دیگران درباره کتاب مقدس نوشته‌اند، خوانده است ولی از عدم فهم مردم ناامید شده است:

می‌خواستم بدانم سخت‌ترین کار چیست. کتاب مقدس را باز کردم و دست‌انم را روی آن گذاشته، گفتم خدایا باید خودت راه را به من نشان بدهی. در هفت سال پس از آن چیزهای بسیاری از کتاب مقدس آموختم. (مصاحبه شخصی، ۴ سپتامبر ۱۹۹۹).

از همین رو، آگی بر پایه تجربیات فردی حاصل از مطالعه کتاب مقدس، خطبه‌ها و مواظلی مطرح می‌کند. در پایگاه خود آورده است:

من معتقدی تمیید داده شده‌ام که بیش از ۳۸ سال کتاب مقدس را با ژرف‌نگری بسیار مطالعه کرده است.

69. Marilyn Agee
70. Riverside, California



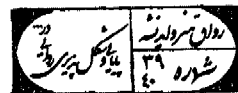
اگی این ژرف‌نگری را از جانب خدا می‌داند. اگی با این ادعا که خدا او را هدایت کرده است، آثار خود را بسیار به متون انجیلی مرتبط می‌داند. از آنجا که جامعه از این ارزش بنیادین جانبداری می‌کند که متون انجیلی از جانب خدا فرو فرستاده شده‌اند و شکی نیست که حقیقت دارند، اگی با نقل سرگذشت خود که چگونه خدا از او خواسته کتاب بنویسد، تفاسیر ثانویه خود از متون انجیلی را در حوزه قدرت الهی قرار می‌دهد:

بنابراین تمام روز را تایپ می‌کردم در حالی که روی تخت دراز کشیده بودم و کتاب مقدس در دستم بود. به خود گفتم اصلاً چرا باید این کارها را انجام دهم؟ بعد به کتاب مقدس نگاه کردم که به صورتم نزدیک بود. آیه دوم باب ۵- کتاب ارمیای نبی در برابر چشمانم بود. چیز دیگری نمی‌دیدم. اگر می‌خواستم می‌توانستم آن آیه را بخوانم ولی همه‌جا خاکستری بود و این آیه بر آن صفحه نورافشانی می‌کرد: «آن را انتشار بده و مخفی نکن.» (اگی، ۱۹۹۹)

با وجود این نیروی الهی، فضای عمده پایگاه اینترنتی او به پرسش و پاسخ با دیگر معتقدان از طریق ایمیل اختصاص یافته است. در گفت‌وگوی با من اظهار کرد که پایگاه اینترنتی از تلاش‌های او برای پاسخ به نامه‌ها و پیام‌های اینترنتی افرادی شکل گرفته است که درباره سناریوی آخرالزمان پرسش داشتند یا با آن مخالف بودند. از سال ۱۹۹۷، اگی به جای انتشار کتاب، عمده وقت خود را مصروف این پروژه کرده است.

گرچه مقالات طولانی، فضای عمده سایت را پر کرده‌اند، بخش عمده سایت اگی به آنچه او آن را *نمایه مخالفان و موافقان* نامیده است، اختصاص دارد. در زمان نگارش این مقاله، این نمایه بیش از هزار صفحه پنج هزار کلمه‌ای را شامل می‌شد. هر صفحه ۴ تا ۱۰ ایمیل از افراد مختلف را به نمایش می‌گذارد. اگی نیز در بخش پاسخ من، تک‌تک ایمیل‌ها را پاسخ می‌دهد. گاهی حتی اگی جوابیه گیرندگان را نیز در دیدرس کاربران قرار می‌دهد.

به سبب شهرت، سابقه و نفوذی که اگی در جامعه دارد، روزانه ایمیل‌های بسیاری دریافت می‌کند و آشکار است که با حجم عظیمی از ارتباطات اینترنتی درباره آخرالزمان روبه‌روست. از آنجا که اگی نیز به برخی از این ایمیل‌ها پاسخ می‌دهد، سایت او به پایگاهی مجازی و مشهور برای تبادل موضوع درباره ارتباط اینترنتی درباره آخرالزمان درآمده است. از آنجا که در این سایت، نگرش‌های اگی و پیام‌های دریافتی به ترتیب زمانی قرار گرفته است، سایت او شیمایی کلی از یک گفت‌وگوی منفرد را درباره حوادث گوناگون ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به نمایش می‌گذارد. در واقع، اگی در روز ۱۲ سپتامبر یعنی یک روز پس از وقوع حوادث، صفحه‌ای طولانی از موافقان و مخالفان را در سایت خود قرار داد که شامل بسیاری از مبادلات کلامی‌ای می‌شد که او در روز ۱۱ سپتامبر برقرار کرده بود.



در این مبادلات کلامی، مشارکین دائماً می‌پرسیدند که چه نشانه‌ای از نزدیکی آخرالزمان، با حملات تروریستی همخوانی دارد. مشارکین سعی می‌کردند که تجربه تازه‌ای را که رخ داده است، به گونه‌ای بفهمند که با روایت موقت الهی در کتاب مقدس همخوان باشد. در نظر آنان، کتاب مقدس می‌بایست به نحوی به این گونه رخداد تاریخی مهم اشاره کرده باشد. در واقع، پرسش آنها این بود که آیا در کتاب مقدس ذکری از حادثه ۱۱ سپتامبر به میان آمده است یا نیامده است. افراد مصرانه در این باره با یکدیگر مباحثه می‌کردند، چون اگر قرار بود کتاب مقدس وقوع این گونه حوادث را پیشگویی کرده باشد، می‌بایست این پیشگویی در توالی گاهشمارانه ساختار روایی آخرالزمان قرار می‌گرفت. اگر این اتفاق می‌افتاد یعنی کتاب مقدس به حادثه ۱۱ سپتامبر اشاره می‌کرد، می‌بایست این حادثه در جایی مشخص از مجموعه‌رخدادهای روایی پیش از آغاز سلطنت هزار ساله مسیح نمایه می‌شد و انسجام روایی خود را نیز حفظ می‌کرد. اگر این حادثه این گونه در مجموعه‌رخدادهای پیش از آغاز سلطنت مسیح نمایه می‌شد، معتقدان به آخرالزمان باور می‌کردند که چه اندازه آخرالزمان نزدیک شده است.

صفحه ۸۰۳ موافقان و مخالفان در سایت آگی تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ را نشان می‌دهد. این صفحه اینترنتی تقریباً پنج هزار کلمه‌ای، ۱۳ ایمیل دریافتی و ۴ پاسخ من را شامل می‌شود. مجموع این ایمیل‌ها و پاسخ‌های آگی در روز ۱۱ سپتامبر مبادله شده است. آگی ۱۳ ایمیل دریافتی را در دو موضوع مختلف مقوله‌بندی می‌کند. آگی ۱۱ ایمیل دریافتی را که عمدتاً یک یا دو خط بیشتر نبودند و حرف تازه‌ای را مطرح نمی‌کردند، در یک مقوله جای داده است. برای نمونه، در یکی از این ایمیل‌های یک خطی آمده است:

فرو ریختن برج‌های دولو، خب فکر می‌کنم این خود یک نشانه است.

گرچه در این پیام نوعی بی‌تفاوتی دیده می‌شود ولی به درستی موضوعی را پیش‌بینی می‌کند که به واکنش جامعه به حادثه ۱۱ سپتامبر بدل خواهد شد: قطعاً این یک نشانه است ولی نشانه چه چیزی؟

آگی در پاسخ خود حوادث این روز را در زمینه‌ای خاص از تفاسیر پیشگویانه خود قرار می‌دهد، به گونه‌ای که به نوعی پیوستگی روایی مورد انتظار او ختم شود. در واقع، از جمله موضوعات مبادله‌شده در سایت او در روزهای پیشین، یکی این موضوع بود که اخترکان آسمانی بدان گونه که در کتاب مکاشفه^{۷۱} ذکرشان آمده است، به زمین اصابت خواهند کرد. آگی از هفته پیش از ماجرای سپتامبر، در صفحه ۸۰۲ سایت دیدگاه‌هایش را در این باره توضیح می‌دهد:

تصور می‌کنم خدا می‌خواهد بسیاری از مردم بدانند که احتمال اصابت اختر به زمین وجود دارد. تا اولین اختر در دوره معاصر به زمین اصابت نکند، مردم به آنچه در آیات ۸ و ۱۰ از باب هشتم کتاب مکاشفه آمده است، پی نخواهند برد. حال می‌توان معنای این آیات را به

۷۲. متن کامل آیه: فرشتهٔ دوم شیبور را نواخت. ناگاه چیزی مانند کوهی بزرگ و آتشین به دریا افتاد، به طوری که یکسوم کشتی‌ها غرق شدند و یکسوم دریا مانند خون، سرخ شد و یک سوم ماهی‌ها مردند. (م)

۷۳. متن کامل آیه: وقتی فرشتهٔ سوم شیبور را به صدا درآورد، ستارهای شعله‌ور (ستارهٔ تلخ) از آسمان بر روی یکسوم رودخانه‌ها و چشمه‌ها افتاد. (م)

۷۴. تابوت عهد یا صندوق عهد (Ark of the Covenant)، بر اساس تورات، جسمی است که خداوند از طریق آن با بنی‌اسرائیل سخن می‌گفت. این جبهه از مقدس‌ترین چیزها برای یهودیان است. در زمان تصمیم‌گیری‌های مهم، فرشته‌ای به نام سکینه یا به عبری شیکینه از آن خروج می‌شد و در حال‌های از خود فراموشی الهی را به مردم ابلاغ می‌کرد. این تابوت در زمان سمویل نبی توسط فلسطینیان به سرقت رفت ولی به دلیل مصائبی که برای آنها به وجود آورد آن را پس دادند. بعدها در زمان حملهٔ بخت‌النصر به اورشلیم این تابوت مفقود شد. درون این تابوت نسخه اصلی تورات که بر روی سنگ حکاکی شده، وجود دارد.

(م)

75. Samuel
76. Zephaniah
۷۷. متن کامل آیه: شهرهای غزه، اشقلون، اشدود و عقرون ریشه‌کن و ویران خواهند شد. (م)
78. tumors
79. Ashdod, Gaza,

درستی فهمید. هر جسم آسمانی که قادر باشیم از سطح آن عکس بگیریم، دارای جاله‌های آتشفشانی است. زمین دیگر امن نیست، گرچه ماه می‌تواند بسیاری از اجسام را که به زمین نزدیک می‌شوند، از مسیر چرخشی خود دور کند. نورهایی که هر از چندگاه در سطح ماه دیده می‌شود، به سبب انفجار همین اختراست.

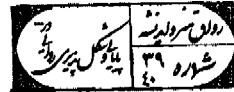
در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱، آگی دوباره موضوع اختراها را مطرح کرده و آن را به حادثهٔ ۱۱ سپتامبر ارتباط می‌دهد:

خدا گفته است که او انتقام خواهد گرفت. خدا می‌داند که افراد حمله‌کننده چه کرده‌اند و چگونه باید آن‌ها را مجازات کرد. این افراد نمی‌دانند که به جهت طرح‌ریزی این عمل تفرامیز چه چیزی در انتظار آنان است. بی‌آنکه کاری انجام دهیم، این افراد به جزای اعمالشان خواهند رسید. در زیر به آیاتی اشاره می‌کنم که به انتقام خدا اشاره کرده‌اند. اختری که در آیهٔ ۸ از باب ۸ کتاب مکاشفه ذکرش آمده است،^{۷۲} در دریای مدیترانه فرو خواهد افتاد. ستاره‌ای که در آیهٔ ۱۰ از آن سخن به میان آمده است،^{۷۳} بابل را ویران خواهد کرد. در آیهٔ ۲۱ از باب ۱۸ کتاب مکاشفه آمده است: «آن‌گاه یک فرشتهٔ پر قدرت، تخته‌سنگی را که به شکل آسیاب بود، برداشت و آن را به دریا انداخت و فریاد زد: شهر بزرگ بابل تا ابد ناپدید خواهد شد، همان‌گونه که این سنگ ناپدید شد.»

توانایی آگی برای ارتباط دادن حادثهٔ جاری به تفسیری که او از کتاب مقدس ارائه می‌دهد، مبین تیزهوشی او و نیز قدرت ساختار روایی آخرالزمان است. البته، ارتباطی که آگی میان حادثهٔ ۱۱ سپتامبر و خشم خدا یا اصابت اختراها به زمین، برقرار می‌کند، چندان مطبوع به نظر نمی‌آید. با وجود این، تفسیر طولانی‌تری که او در بخش موافق/ مخالف سایت خود در صفحهٔ ۸۰۳ ارائه می‌دهد، مبین نمونه‌ای پیچیده‌تر از شکل‌پذیری روایت و قدرت سرسخت ارزش‌های بنیادین مورد نظر اوست.

طولانی‌ترین بخش صفحهٔ ۸۰۳، تقریباً نیمی از کل صفحهٔ سایت را به خود اختصاص می‌دهد. این بخش، ایمیل دریافتی و پاسخ ۱۳۰۰ کلمه‌ای آگی؛ پاسخ کوتاه و چند خطی فرستندهٔ ایمیل و پاسخ مجدد و ۵۰۰ کلمه‌ای آگی به فرستنده را شامل می‌شود.

از: SA, Re, تابوت عهد^{۷۴} همان‌گونه که نسخهٔ الکترونیکی کتاب مقدس را که تازه از اینترنت گرفته بودم، می‌خواندم، به بخش کتاب اول سمویل^{۷۵} در عهد عتیق برخوردیم که در آن سمویل از جانب خدا مخاطب قرار می‌گیرد. سپس، همان‌گونه که پیش می‌رفتم به جایی رسیدم که فلسطینیان، تابوت را تصاحب می‌کنند. تا آیهٔ ۱۷ باب ۶ خواندم و به ناگاه دریافتم که رابطه‌ای با آیهٔ ۴ از باب ۲ زفانیای نبی^{۷۶} دارد. فلسطینیان می‌بایست پنج شیء به شکل دمبل طلایی^{۷۸} و پنج شیء به شکل موش طلایی را به خدا هدیه کنند... پنج دمبل طلایی از طرف شهرهای اشدود، غزه، اشقلون، جت و عقرون^{۷۹}



Ashkelon, Gath and Ekron

۸۰. متن کامل آیه: برای کسانی که چنین گناهی کرده باشند، افتادن به دست‌های خدای زنده بسیار وحشتناک خواهد بود! (م)

۸۱. در زبان عبری لغت قسم خوردن، به طور تحت‌اللفظی به معنای قرار گرفتن تحت نیروی هفت چیز است که برگرفته از هفت میثی است که در پیمان مین/ابراهیم نبی و ابی ملک در بیرشیا به آن اشاره شده است. (م)

۸۲. تقویم عبری بر سه پایه استوار است: سال خورشیدی، ماه قمری و هفته هفت‌روزه که هر شنبه آغاز می‌شود. هر ماه جدید با طلوع ماه محاسبه می‌شود، که هر ۲۹،۵۳ روز پدیدار می‌شود. تقویم متشکل از ۱۲ ماه ۲۹ یا ۳۰ روزه است. هر سال قمری که دوازده ماه داشته باشد در نهایت ۳۵۴،۳۶ روز خواهد بود. یا اینکه هر سال (یک بار گردش کامل زمین به دور خورشید) ۳۶۵،۲۵ روز خواهد بود. ماه تیشری (Tishri) هفتمین ماه از تقویم عبری محسوب می‌شود. این ماه پاییزی و سی روزه است. نخستین روز این ماه مصادف است با روش هشتاد و نهم تیشری برگرفته از شروع و ریشه آکادی دارد. ماه‌های تقویم عبری عبارتند از: تیشری، حشوان، کیسلو، طوت، شواط، اذار، نیسان، ایار، سیوان، تموز، او، الوی. (م)

۸۳. شوفار/ شیپور، سازی بادی است که به طور معمول در آیین‌های یهودی از دوران کهن تا به امروز استفاده می‌شود. این ساز را یهودیان در هنگام نبرد

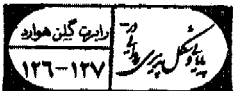
فرستاده شده بود... و خدس بزَن اختر کجا اصابت خواهد کرد: «غزه متروکه خواهد شد و اشقلون به ویرانه مبدل می‌شود و در نیم روز، اشدود از سکنه خالی می‌شود و عقرون نیز زیر و رو خواهد شد. ای فلسطینیان، اف به شما که در کنار دریا زندگی می‌کنید». آیا واقعاً این داستان کلاسیک اتفاق نیفتاده است؟ آیا این بدان معنا نیست که نباید با خداوند صاحب قدرت درافتاد؟ اهمیت آیه اول از باب ششم کتاب اول سمویل در چیست: «زمانی که تابوت عهد برای مدت هفت ماه در فلسطین بود...؟ بسیار نیکوست که بدانیم خداوند چگونه درباره ما داوری خواهد کرد و نکته مهم این است که بدانیم چرا نامطبوع است که خود را در میان دستان خداوند زنده و حاضر احساس کنیم. (رساله پولس رسول به عبرانیان^{۸۱}، ۳:۱۰) ادامه می‌دهم و خواهیم دید که تابوت از کجا بر خواهد خاست. از مسیح و رو به بالا (شاید هم روز هجدهم!!!).

این متن، ادامه تبادل موضوعی است که خاص آثار آگی نیست ولی در گفتمان آخرالزمان رخ نشان می‌دهد. نکته جالب اینکه، فرستنده ایمیل، همه کتاب مقدس را جست‌وجو کرده تا ارجاعات به تابوت عهد، حوادث طبیعی و عدد ۷^{۸۱} را پیدا کند. کاری که او انجام داده، نمونه‌ای از تفکر آخرالزمانی است. فرستنده هم در کتاب مقدس جست‌وجو کرده، هم رو به سمت آسمان دارد و هم رو به سمت آینده: «شاید روز هجدهم!!!». منظور از عدد ۱۸، روز ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۱ است. در اینجا هجدهمین روز بار معنایی ویژه‌ای دارد؛ چرا که فرستنده ایمیل تصور می‌کند که حوادث ۱۱ سپتامبر می‌تواند نشانه‌ای از هشدار هفت‌روزه باشد. در مباحث مربوط به آخرالزمان درباره هشدار هفت‌روزه حرف و حدیث بسیار است. تصور بر این است که پیش از آغاز طوفان، به نوح هفت روز فرصت داده شد و برخی معتقدان به آخرالزمان بر این باورند که این الگو در سناریوی آخرالزمان به واسطه نشانه هفت روز پیش از آغاز آخرالزمان، بازتاب یافته است. قضیه کاملاً روشن است؛ اگر حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ هشدار هفت‌روزه باشد پس بنا بر پیشگویی آگی، اختراها هفت روز پس از ۱۱ سپتامبر یعنی روز هجدهم به زمین اصابت خواهند کرد و سناریوی آخرالزمان آغاز خواهد شد. آگی وقتی به ابهام موجود در ایمیل فرستنده پی می‌برد، در پاسخ می‌نویسد:

۱-۱۸-۰۹ به تاریخ اول تیشری،^{۸۲} ۱۵۷۶۶ ضیافت شوفار،^{۸۳} به امید جذبۀ الهی.

در اینجا، آگی تاریخ را به شیوه نظام تقویم کهن عبری می‌نویسد؛ تقویمی که پیامبران عهد عتیق به کار می‌بردند. جالب اینکه آگی تاریخ ۹/۱۱/۰۱ را در یافت تقویم عبری و اخترشناسی جدید به کار می‌برد. سپس، آگی به تاریخ برپایی ضیافت اشاره می‌کند. در اینجاست که احساس می‌کند جذبۀ الهی در آینده‌ای نزدیک و در روز ضیافت شوفارها که در خلال رُش هشتاد یا سال نو یهودیان^{۸۴} خواهد بود، رخ می‌دهد:

اکثراً بر این باورند که هواپیمایی که برج‌های دولوی مرکز تجاری نیویورک را خراب کردند، همان نشانه هشدار هفت‌روزه هستند. این احتمال می‌رود که ۱۱ سپتامبر، هفت روز پیش از ضیافت شیپورها باشد.



این نکته، تاریخ وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر را در راستای تفسیر کلی متون انجیلی قرار می‌دهد. سپس، آگی به ویژه به شواهدی از کتاب مقدس اشاره می‌کند مبنی بر اینکه ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۱ همان روز جذبه خواهد بود:

در کتب مقدس به این حقیقت اشاره شده است. در آیه ۲۵ باب ۳۰ اشعای نبی آمده است: «در آن روز برج‌های دشمنانان فرو خواهد ریخت و خودشان نیز کشته خواهند شد ولی برای شما از هر کوه و دره‌ای چشمه‌ها و جوی‌های آب، روان خواهد شد.» عبارت «فرو ریختن برج‌های دشمنان» که طنین آن را در ذهنم می‌شنوم، حادثه‌ای را که امروزه رخ داده است به حادثه‌ی نهایی در روز خشم خدای پیوند می‌زند. در آن روز، سازمان ملل و اتحادیه جماهیر شوروی در برج‌های بابل در عراق پناه خواهند گرفت و آن برج‌ها فرو خواهند ریخت.

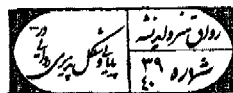
در اینجا، آگی به دو مسئله اشاره می‌کند. اول، عبارت *فرو افتادن برج‌ها* که طنین آن را در تمام روز می‌شنود. از آنجا که خدا او را به سمت مطالعه کتاب مقدس سوق داده است، چندان اتفاقی نیست که به این طنین اشاره کند. او طنین *فرو افتادن برج‌ها* را برای مخاطبانش نقل می‌کند چرا که از دیدگاه آنها، این مسئله، نشانه‌ی اولیه‌ای است از توان آگی در مقام معلمی که خدا او را در مطالعاتش هدایت کرده است.

نکته دوم اینکه، آگی *فرو افتادن برج‌ها* را به حادثه‌ای که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داده است، ارتباط می‌دهد به گونه‌ای که با آنچه پیش‌تر بر زبان آورده، همخوانی پیدا کند. عبارت در کتب مقدس به این حقیقت اشاره شده است، اشاره سراسری است به آنچه در تفاسیر مربوط به آخرالزمان در کتاب مقدس آمده است. آنچه در کتاب مقدس از آن به اخترا یاد شده است، در تفسیر آگی جای خود را به هوایماها می‌دهد. اگر این گونه باشد این سخن بدان معناست که روز ۱۱ سپتامبر، نه هشدار هفت‌روزه بلکه روز جذبه الهی خواهد بود. آشکار است که این گونه تفسیر در روایت بزرگ‌تری که آگی برمی‌سازد، نقشی ایفا نمی‌کند. در عوض، این حقیقت وجود دو هوایما و دو برج (آگی برای لحظه‌ای فراموش می‌کند که هم تعداد هوایماها چهار فرزند است و هم اهدافی دیگر نیز مورد حمله قرار می‌گیرند) به طرز پارادایمی مبین دو اختری است که او از مدت‌ها پیش آنها را پیش‌بینی کرده بود. آگی با توجه به مسئله هشدار هفت‌روزه، رخداد‌های ۱۱

سرمین کنان در پشت دیوارهای شهر *اریحا* استفاده کردند. آن روز یوشع این ساز را نواخت. در سنت یهودی، شوفار را در جشن‌های روش هشانا و یوم کیپور می‌نوازند تا نشان دهند که روزه به پایان رسید و وقت افطار است. شوفار تنها سازی است که یهودیان از دوران باستان تاکنون حفظ کرده‌اند. واژه شوفار و شیپور هر دو از یک ریشه هستند. این جشن را *روز تروا* هم می‌نامند. (م)

84. Rosh Hashanah

سال نو یهودیان که به یادبود خلقت جهان به دست خداوند، جشن گرفته می‌شود. این عید در روز اول و دوم ماه عبری تیشری واقع می‌شود. این عید که به نام‌های *روز داورى* یا *روز یادبود* یا *روز نواختن شوفار* نیز معروف است، ابتدای ده روز توبه به شمار می‌آید. بنا به روایات یهودی این عید روز آفرینش حضرت آدم را خاطر نشان می‌کند که در آن تقدیر هر موجودی در سال جدید تعیین می‌شود. خداوند در این روز، زندگی سال جدید جامه و افراد را بر اساس اعمال سال گذشته آن‌ها تعیین می‌نماید. از این رو برای کلیمان، دو روز روش‌هشانا تسلیل کامل مقرر شده است و آنان با حضور در کنیسه‌ها و اجرای مراسم ویژه، سرنوشت نیک و سعادت‌مندانه را از خداوند تقاضا می‌کنند. (م)



سپتامبر را آنأ در مجموعه روایت برساخته خود قرار می‌دهد. سپس، این روایت به گونه‌ای عمل می‌کند که تفسیر او را دربارهٔ رخداد‌های جاری، ساختار روایی آخرالزمان و ارزش‌های بنیادین، تأیید می‌کند. آگی در خطوط بعدی پاسخ خود به روشنی به این نکته اشاره می‌کند:

دوهوایمایی که به برج‌های دوقلو حمله کردند همان دو اختری هستند که در روز فرو افتادن برج‌ها، به زمین اصابت خواهند کرد. آیهٔ ۴ باب ۵ کتاب زکریا به ما می‌گوید که چه اتفاقی خواهد افتاد زمانی که نفرین گراگرد زمین را فرا گیرد: «خداوند قادر متعال می‌فرماید که این لعنت‌ها را به خانهٔ کسانی که دزدی می‌کنند (پیامبران دروغینی که از کلیسا دزدی می‌کنند) و آن‌هایی که به نام او قسم دروغ می‌خورند (باب عصر محنت)، می‌فرستد تا بر خانه‌شان قرار بگیرد و آن را به کلی نابود کند».

آگی دوباره استدلال خود را با آوردن نقل قول‌هایی از کتاب مقدس همراه می‌کند.

در روز ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۱، نه جذب‌های الهی رخ داد و نه حادثهٔ بزرگ کیهانی به وقوع پیوست. با این حال، آگی به این مسائل کاری نداشت. از میان پیش‌بینی‌های بسیار مبنی بر اینکه جذبۀ الهی نزدیک است، آگی اذعان می‌کند که صحت هیچ کدام اثبات نشده است. البته، این مسئله چندان مایهٔ تشویش خاطر آگی و اعضای جامعهٔ اینترنتی معتقد به آخرالزمان، نمی‌شود. زمانی که روز ۱۸ سپتامبر بدون هیچ رخدادی سپری شد، مشارکین در گفت‌وگو آخرالزمان، هیچ تمایلی از خود نشان ندادند که در ارزش‌های بنیادین خود یا حتی در ساختار روایی حمایت‌کننده از این ارزش‌ها، بازنگری و تجدید نظر کنند.

صفحهٔ ۸۱۰ موافقان و مخالفان، ده روز پس از ۱۸ سپتامبر یعنی در روز ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ در سایت آگی قرار گرفت. طبق روال معمول، بخشی از این صفحه به پرسش و پاسخ‌های آگی و فرستندگان ایمیل دربارهٔ ۱۸ سپتامبر اختصاص پیدا کرده بود. از جمله موارد موجود در این صفحه عبارت بودند از چندین لینک خبری به خاورمیانه، بحث افرادی که در اسرائیل قصد داشتند معبد اورشلیم را بازسازی کنند؛ پرسشی دربارهٔ مدت زمان عصر محنت، مخالفت‌هایی دربارهٔ تاریخ دقیقی که آگی اعلام کرده بود و حتی هشدار مبنی بر اینکه ویروسی کامپیوتری این روزها رواج یافته است. دو بخش از این صفحه مستقیم به ناکامی در پیشگویی هشدار هفت‌روزه مربوط می‌شد. یکی از ایمیل‌ها از آن فردی است به اسم مارک که سعی دارد تاریخ تقویم را چند روز به عقب برگرداند. در نهایت، او روز ۲۷ سپتامبر را روز جذبۀ اعلام می‌کند:



کار من تنظیم تاریخ نیست بلکه می‌خواهم به خوانندگان شما امید بدهم و نگذارم ناامید شوند؛ چراکه روز جذبۀ هنوز فرا نرسیده است... همان گونه که از آخرین شیپور در جشن عید یهودیان صدایی برنخاست... ما هنوز ۹ روز دیگر وقت داریم... خدا ما را ببخشاید.

گرچه آگی نوشته مارک را در سایت خود قرار می‌دهد، پاسخی به استدلال او نمی‌دهد. با این حال، در ایمیلی دیگر نویسنده به نادرستی زمان جذبۀ، به گونه‌ای دیگر پاسخ می‌دهد:

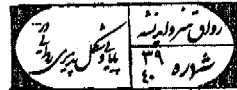
روز دوم از ماه دهم ۲۰۰۱، ششصد و پنجاه و یکمین روز از انقلاب زمستانی ۵۷۶۰ خواهد بود. ششصد و پنجاه و یکمین، عددی مرکب از ۷۹۰ (۷۹*۱۰) خواهد بود. $۱۴۴۱ = ۶۵۱ + ۷۹۰$ عدد یهودی برای تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ خواهد بود. این تاریخ نشانه‌ای قوی برای تکرار حمله در ۱۱ سپتامبر خواهد بود.

در اینجا، این ایمیل با پیشنهاد اینکه تاریخ ۱۸ سپتامبر می‌تواند فقط تاریخی برای حمله مجدد تروریستی باشد، امید به جذبۀ بودن روز ۱۸ را اندکی تعدیل می‌کند. حمله دوباره حتی اگر رخ دهد، در نمایه‌شدن رخدادهای جاری برای ایجاد روایتی خاص، هیچ تأثیری ندارد. به معنای دقیق کلمه، آگی تمایل چندانی به ذکر تاریخ دقیق رخداد آخرالزمان ندارد:

خدای من. امیدوارم اتفاقی بهتر از این رخ می‌داد و منظور من این نیست که انفجاری دیگر رخ دهد. منظورم این است که چه بلایی دارد بر سر این جهان می‌آید؟ ولی به ضرر قاطع می‌دانم پایان این عصر چه چیز به ارمغان خواهد آورد. طرفه اینکه به همه این موارد اشاره شده است. همه می‌دانند که این عصر چگونه به پایان می‌آید ولی آن را نمی‌خوانند، ولی بدان اعتقاد ندارند و آن را درک نمی‌کنند. آیه ۱۰ از باب ۱۲ کتاب دانیال نبی به ذهنم خطور می‌کند: «عده زیادی پاک و طاهر خواهند شد. ولی بدکاران به کارهای بدشان ادامه خواهند داد. از بدکاران هیچ کدامشان چیزی نخواهند فهمید. ولی حکیمان همه چیز را درک خواهند کرد».

آگی در این سخنان بسیار به نزدیک بودن آخرالزمان امیدوار است. آگی امیدوار است که آخرالزمان با وجود اینکه برای بشر درد و غم به همراه می‌آورد، آغاز شود. وانگهی، با اینکه پیش‌بینی‌های آگی درباره هشدار هفت‌روزه و تفسیری که از ۱۱ سپتامبر ارائه می‌دهد، چندان درست از کار در نمی‌آید، ذره‌ای از اعتقاد او به رخدادهای آخرالزمان نمی‌کاهد. با این حال، تعجب آگی از این است که چرا مردم به رخدادهای الهی مربوط به آخرالزمان بدان گونه که در کتاب مقدس به منزله حقیقت مطلق آمده است، توجهی نشان نمی‌دهند:

مردم می‌دانند که جهان چگونه پایان می‌پذیرد، ولی آن‌ها کتاب مقدس را نمی‌خوانند. در اینجا دوباره آگی وفاداری خود را به این ارزش بنیادین که کتاب مقدس به تمامی درست است و اینکه این کتاب رخدادهای نزدیک به آخرالزمان را بیان می‌کند، اعلام می‌دارد. با وجود این، به روشنی پیداست که چگونه آگی و اعضای جامعه اینترنتی او رخداد تاریخی تازه‌ای مانند



رخداد ۱۱ سپتامبر را با ساختار روایی مورد اعتقاد خود ممزوج کرده و بدان اهمیتی ویژه می‌دهند و حال بدون آنکه درباره اعتبار ارزش‌های بنیادینی که آنها را به سمت پیش‌بینی نادرست سوق داده است، اندکی تأمل کنند، مجبورند که دست از ادعاهای خود بردارند.

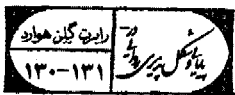
تشکیل جامعه موضوعی^{۸۵}

پژوهشگران امور مذهبی مانند ویچیک به طرز کارآمد به شیوه‌هایی اشاره کرده‌اند که نظام عقیدتی تفکر آخرالزمان مسیحی معاصر را از اساس لایتغیر می‌دانند. خطیبانی مانند آری خاطر نشان کرده‌اند که چگونه برخی مشارکین در این گفتمان با تبعیت از منطق، عقاید خود را از تیررس نگرش‌های تازه در امان می‌دارند ولی در تحلیل‌های پیشین به این مهم توجه نشده است که چگونه ساختار روایی آخرالزمان، خود را در رسانه‌های اینترنتی به غایت پایا نشان می‌دهد. ساختار روایی و ارزش بنیادین لایتغیری که گفتمان آخرالزمان بدان متکی است، فضا را به گونه‌ای برای این گفتمان فراهم می‌کند که بدون آنکه با ارزش‌های بنیادین یا جهان‌بینی آن از در مخالفت بیرون آید، نگرش‌ها یا مباحث تازه را بدان وارد کرده و حتی زمان اعلام آخرالزمان را نیز پیشگویی نماید. این گونه ورود نگرش‌های تازه به بطن نظام بسته عقیدتی، روایت آخرالزمان را نه روایتی ایستا بلکه شکل‌پذیر جلوه می‌دهد. همین که افراد توانش گفتمانی لازم برای فهم مسائل مورد بحث را به دست آوردند، قوه خیال آنها حول و حوش تفاسیر اولیه‌ای که از کتاب مقدس ارائه شده است، به پرواز در می‌آید. این گونه رهایی از گفتمانی ایستا، به نوعی تناقص دامن می‌زند. شکل‌پذیری هر گفتمانی خاص به مؤمنان اجازه می‌دهد که فعالانه در گفتمان آخرالزمان مشارکت کنند. مهم نیست که پیشگویی آنها چگونه از کار در می‌آید. مهم این است که ارزش‌های بنیادین گفتمان مورد پرسش قرار نگیرند؛ چرا که اصلاً روی صحبت با این ارزش‌ها نیست. گرچه در وهله نخست به نظر می‌آید رفتارهای ارتباطی، گونه‌ای از احتمالات گوناگون روایت آخرالزمانی محسوب می‌شوند، کارکرد آن‌ها فقط این است که ارزش‌های عجالتاً موجود جامعه را تقویت کنند.

اینکه توانش گفتمانی و شکل‌پذیری روایی در راستای محدود کردن دامنه مباحث گفتمان عمل می‌کند، برای مسیحیان علاقه‌مند به مباحث آخرالزمان در اینترنت برجستگی و اهمیتی ویژه پیدا کرده است. با این حال، در پرتو رویکرد فیشر که ادعا می‌کند انسان‌ها اساساً فهم مشترک خود را از جهان پیرامون به واسطه روایت و داستان‌پردازی رقم می‌زنند، نباید فراموش کرد که افراد در این گونه روایت‌ها و داستان‌پردازی‌ها، نقشی ندارند و در عوض، پارادایم‌ها و از همه مهم‌تر، قدرت ساختار ایدئولوژی‌های غالب جامعه است که نقش اصلی را ایفا می‌کنند. در این حالت، دست‌کم گفتمان آخرالزمان به واسطه رسانه‌های اینترنتی پایا می‌شود و بر اساس اتکایی که به روایت هسته‌ای خود در کتاب مقدس دارد، محافظه‌کارانه عمل می‌کند.

۸۵ topical community

formation جامعه‌های عمدتاً مجازی که بر سر موضوع یا مناسبتی خاص مانند نزدیکی آخرالزمان شکل می‌گیرد در این جامعه مجازی شرکت‌کنندگان درباره مناسبتی با یکدیگر تبادل موضوع (issue-exchange) می‌کنند.



86. heteroglossia

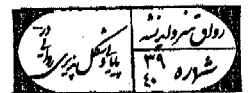
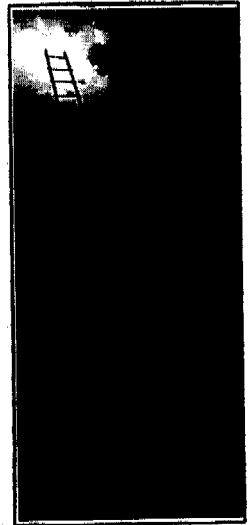
چندزبان‌گویی اصطلاح باختمین است برای توصیف لایه‌های کلامی بی‌شماری که در همه زبان‌ها از جمله زبان ارتباطات اینترنتی وجود دارد. هر گفتاری، پدیده‌های یکپارچه و انضمامی است؛ کلامی است که فردی معین آن را در لحظه‌ای معین بر زبان آورده است. در واقع، چندزبان‌گویی اجازه کاربرد چندین زبان یا صدا را در متنی واحد فراهم می‌کند. در گفتار اینترنتی نیز وضع به همین منوال است. افراد بی‌شماری با زبان‌ها و صداهای گوناگون در مراوده‌های دو سویه یا چند سویه مشارکت می‌کنند. از این نظر شاید بتوان گونه‌های مختلف زبان اجتماعی را در اینترنت سریع گرفت.

این امر به ویژه در مطالعه چندزبان‌گویی^{۸۶} ارتباطات شبکه‌ای مصداق دارد؛ چرا که این ارتباطات بر پایه مبادله نگرش‌ها استوار است. در خوشبینانه‌ترین این تحلیل‌ها می‌توان امیدوار بود که ملغمه‌های از نگرش‌های مختلف، نوعی تکثرگرایی اینترنتی به بار آورد. مادام که به این گونه مباحث دامن زده شود، تعصب‌های سفت و سخت دوره و زمانه ما نیز رنگ خواهند باخت. با این حال، این امر در خصوص گفتار آن‌الزمان اینترنتی مصداق ندارد.

همان گونه که بندیکت اندرسون^{۸۷} نیز گفته است جوامع، خود را از طریق گفتار تصور می‌آورند. برای جامعه آن‌الزمان اینترنتی، این تصویرسازی همان کارکرد اولیه رفتارهای ارتباطی اعضای آن جامعه است. هویت اعضای هر جامعه عیناً با ایجاد جامعه‌ای مفروض از طریق گفتار، متصور می‌شود. از دیدگاه رتوریک، این تصویرسازی نوعی کنش نمادین زیاست. همان گونه که مارگارت زولیک^{۸۸} (۱۹۹۷) بیان می‌کند رتوریک زایه، نوآوری اجتماعی^{۸۹} به بار می‌آورد. زولیک خاطر نشان می‌کند که چگونه هر گفت‌وگوی اینترنتی، فضایی مجازی ایجاد می‌کند؛ فضایی برای صحبت مشترک که نه به هیچ زبان متقدمی فرو کاسته می‌شود و نه با آن قابل سنجش است.

زولیک مفهوم فضای مجازی را مدیون یورگن هابرماس^{۹۰} است. هابرماس مفهوم صحبت خصوصی یا شبه‌خصوصی افراد را اساس تولید ساخت عمومی گفتار معرفی می‌کند. ساخت عمومی، تبادل اجتماعی گفتار است که در هر گفت‌وگویی که افراد گرد هم می‌آیند تا گروهی را ایجاد کنند، شکل می‌گیرد (هابرماس، ۱۹۷۴، ص. ۴۹). جامعه عمومی یا مبتنی بر گفتار، در هر تبادل ارتباطی زمینه‌مند ایجاد می‌شود؛ چرا که افراد، ساخت یا به کلام هوارد رینگولد^{۹۱} (۲۰۰۰) تجمعی اجتماعی^{۹۲} ایجاد می‌کنند که نوعی احساس تعلق فردی را با خود به همراه می‌آورد (ص. ۵). به دیگر سخن، در ساخت عمومی کارکردگرایی گفتار، افراد به کسانی که با آن جامعه در ارتباطند، تعلق خاطر بسیار پیدا می‌کنند.

با وجود این، افرادی که می‌خواهند به عضویت این گونه جوامع اینترنتی درآیند، هم‌چنین لازم است برای خود هویتی فردی را احراز کنند؛ هویتی که با اتکالی بدان بتوانند خود را عضوی از گروه بزرگ‌تر در شمار آورند. از این حیث، گفتار آن‌الزمان مسیحی نقش ایجاد، تثبیت و بازآفرینی هویت‌های فردی و جوامع اینترنتی را بر عهده دارند؛ هویت‌ها و جوامعی که اعضاء و افراد تصور می‌کنند بدان تعلق دارند. اعضاء این جوامع اینترنتی با تبعیت از هنجارهای اجتماعی‌ای که عضویت آنها را در آن جامعه تثبیت و اجرایی می‌کند، جامعه‌ای را ایجاد و عیان می‌کنند که هویت آنها در مقام یک نفر مسیحی را نشان می‌دهد. هنجارهای اجتماعی‌ای که بر این جامعه مسیحی اینترنتی حاکم است، هنجارهایی است که اس و اساس جامعه را تشکیل می‌دهد ولی در عین حال اجازه نمی‌دهد که توانمندی‌ها و ظرفیت‌های این جامعه اینترنتی از



هنجارهای جامعه اصلی فراتر رود. تشکیل جامعه موضوعی از جمله هنجارهای اجتماعی اولیه است. جامعه موضوعی زمانی شکل می‌گیرد که جوامع گفت‌وگومان محور بر پایه‌ای مشترک شکل گرفته باشند.

تشکیل جامعه موضوعی به هنجار اجتماعی تبادل موضوع دامن می‌زند. رفتار تبادل موضوع، حجم ارتباطات آخرالزمان اینترنتی را توجیه می‌کند. تبادل موضوع زمانی رخ می‌دهد که افراد دخیل در گفت‌وگو دربارهٔ مناسبت حقیقتی خاص یا دغدغهای بزرگ‌تر و مشترک، بحث می‌کنند بدون آنکه انتظار داشته باشند آن بحث به راه‌حلی نهایی یا نتیجه‌ای قطعی ختم شود. برای آنکه افراد در تبادل موضوع مشارکت کنند لازم است هر دو طرف ارتباط، از توانشی مشخص در گفت‌وگو برخوردار باشند. از جمله موضوعات آخرالزمان، موضوعات پیش‌عصر محنت در مقابل پس‌عصر محنت است. بحث دربارهٔ این موضوع به رخدادهایی خاص مربوط می‌شود که معتقدان به آخرالزمان فکر می‌کنند که در آینده‌ای نزدیک رخ می‌دهند. پیشا و پس‌ناظر است به اینکه آیا مسیحیان پیش از آغاز عصر محنت یا پس از آن در جذبیه الهی غرق خواهند شد.

سواى موضع خاص کسی که در این تبادل موضوع مشارکت می‌کند، آن فرد می‌بایست با یکی از آموزه‌های روایت آخرالزمان آشنایی پیدا کند؛ اینکه مسیحیان واقعی روزی به جذبیه الهی نایل خواهند آمد. البته این امر به بصیرت فراوان دربارهٔ اعتقاد مسیحی نیز بستگی دارد. این بصیرت و نیز آشنایی با کتاب مقدس، شرط ضروری برای مشارکت در گفت‌وگو آخرالزمان اینترنتی است. همان گونه که دیوید زارت (۱۹۹۲) خاطر نشان کرده است در زمینهٔ کشمکش مذهبی و سیاسی انگلستان قرن هجده بود که در تفکر پروتستان دربارهٔ رابطهٔ میان *اجتهاد خصوصی*^{۹۳} دربارهٔ وجدان و اجماع، نوعی تنش ایجاد شد. اصالت الهی متن کتاب مقدس در حوزه‌ای اساساً شخصی، مشهود و عیان است. به دیگر سخن، معیارهای عمومی عقل، زادهٔ جهان هیبوط کرده است و از همین رو، این معیارها نسبت به داوری‌های منتج از تجربهٔ فردی استنباط متن کتاب مقدس، در مرحلهٔ دنی‌تری قرار دارد. به عبارت دیگر، این اعتقاد مشترک که معرفت صحیح الهی فقط به واسطهٔ تأملات فردی حاصل می‌شود، ارزش‌های نظرسنجی عمومی را کم‌رنگ کرده است. اگر این گونه نبود، نظرسنجی عمومی رواج می‌یافت؛ چرا که اجماعی از افراد شایسته در امر داوری می‌بایست این گونه اجتهادهای خصوصی را تبیین و توجیه می‌کرد.

با این حال، دربارهٔ رفتار تبادل موضوع^{۹۴} آخرالزمان پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تشکیل جامعهٔ گفت‌وگومان پیرو این اعتقاد که در کهنه‌ریاط عالم، آگاهی از اسرار الهی ناممکن است، دیگر جایی برای اعتقاد شخصی افراد مشارک در گفت‌وگو، باقی نمی‌گذاشت. افراد به واسطهٔ تشکیل جامعهٔ موضوعی، بر اساس برجستگی^{۹۵} مشترک خود در عملکرد جاری ناشناختگی قدرتمند برنامهٔ الهی، کنار یکدیگر گرد می‌آیند. افراد می‌توانند به گونه‌ای که اعتبار اساساً خصوصی قضاوت‌های آن‌ها

باختن چند آوایی و چند صیایی را در برابر تک‌آوایی و تک‌صیایی مطرح می‌کند (م).

87. Benedict Anderson

88. Margaret Zulick

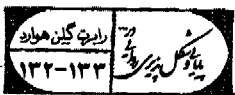
89. social invention

90. Jorgen Habermas

پورگن هابرماس (زاده ۱۸ ژوئن ۱۹۲۹ در دوسلدورف آلمان) از فیلسوفان و نظریه‌پردازان اجتماعی معاصر است که در چهارچوب سنت نظریهٔ انتقادی کار می‌کند. تمرکز پژوهش‌های او بر روی شناخت‌شناسی، تجزیه و تحلیل جوامع پیشرفتهٔ صنعتی سرمایه‌داری و سیاست روز آلمان است. وی از منتقدین زاک دریا است.

91. Howard Rheingold

92. social aggregation



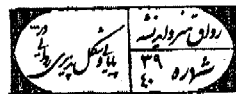
درباره اوامر الهی خدشه‌دار نشود، در نظرسنجی عمومی مشارکت جویند. در این میان، ویژگی‌های رسانه‌های شبکه‌محور با کمک به تشکیل جامعه موضوعی و رفتار تبادل موضوع، می‌تواند این نوع ارتباط را تسهیل کنند.

افرادی که در تبادل موضوع مشارکت می‌کنند، می‌توانند بدون آنکه ذکری از ارزش‌های بنیادین خود به میان آورند، فعالانه درباره عناصر گفتمانی به بحث و نظر بپردازند و درست همین‌جاست که معتقدان مسیحی آخرالزمان اینترنتی چیزی را به نمایش می‌گذارند که لیو مانویچ^{۹۶} (۲۰۰۱) آن را *تعدیل‌پذیری*^{۹۷} می‌نامد. ارتباط اینترنتی، این توان را به افراد می‌دهد که از رهگذر بازاریابی مجموعه‌ای مشخص از نگرش‌های تعدیل‌شده، گفتمان را درونی کنند. با این حال، خود همین تعدیل‌پذیری، هنجارهای ارتباطی را در اصل محدود می‌کند؛ چراکه مجموعه عناصر تعدیل‌پذیر ثابت است. افراد برای مشارکت در تبادل موضوع، نیازی به اثبات اعتقاد خود به آخرالزمان ندارند، چراکه آنها پیش‌تر با اظهارنظر درباره موضوعات مشترک معرفت‌توانش لازم برای مشارکت موفقیت‌آمیز در گفتمان، اعتقاد خود را به اثبات رسانده‌اند. آنها می‌بایست بدانند که روایت چگونه به پایان می‌آید و برای اینکه به این امر پی ببرند، فعالانه از فن‌آوری‌های شبکه‌ای استفاده می‌کنند تا به نگرش‌هایی که ممکن است با عقاید مسیحی بنیادین آنها مخالفت ورزد، اجازه ورود ندهند؛ آنها چنین کاری را انجام می‌دهند یعنی اجازه ورود به نگرش‌های مسئله‌ساز نمی‌دهند چون جوامع اینترنتی نه بر اساس مکان جغرافیایی بلکه بر اساس موضوع و مناسبت شکل می‌گیرند. افراد، فعالانه گفتمان را در جامعه اینترنتی خود فیلتر می‌کنند به گونه‌ای که بنابر گفته کاس سانسیتین به نوعی *افراط‌گرایی و تکه‌تکه‌شدگی*^{۹۸} (ص. ۹) دامن می‌زنند.

تعدیل‌پذیری رادیکال گفتمان آخرالزمان به واسطه نوعی شکل‌پذیری روایی تقویت می‌شود؛ شکل‌پذیری روایی، رفتارهای ارتباطی را ایجاد می‌کند و رفتارهای ارتباطی، ظرفیت تولیدی وجوه گفتمانی شهروندی را محدود می‌کند، چراکه شکل‌پذیری از ورود صداهای انحرافی لازم برای تولید نگرش‌های تطبیقی جدید جلوگیری می‌کند. اگر سانسیتین بر راه صواب باشد، تشکیل جامعه موضوعی، تاب تحمل نگرش‌های تازه را ندارد و از شرکت در مباحثه‌های عمومی بزرگ‌تر یا پس می‌کشد. تعدیل‌پذیری، راه را بر تضارب آراء نیز می‌بندد. به نظر می‌آید جهان فن‌آورانه و فرهنگی به سرعت در حال تکامل، بدون استفاده از تضارب آراء، نمی‌تواند گفتمان آخرالزمان را در چشم افرادی که به نظام اعتقادی آن اتکا دارند، مؤثر و کارآمد جلوه دهد. با این حال، این مسئله هنوز به اثبات نرسیده است. با تأثیر فزاینده‌ای که مسیحیت انجیلی در سیاست ایالات متحده دارد، لازم است که با شجاعتی تجدیدشده، ماهیت بسته و پابرجای گفتمان آخرالزمان به دقت بررسی و ارزیابی شود.

پژوهش‌های بیشتر باید به مشکل‌ترین پرسش که این موردپژوهی مطرح کرده است، پاسخ

- 93. private judgment
- 94. issue-exchange behavior
- 95. stake
- 96. Lev Manovich
- 97. modularity
- 98. extremism and fragmentation



دهند: چرا افراد در نظرسنجی‌ای عمومی مشارکت می‌کنند که درباره آن نمی‌توان هیچ‌گونه تصمیمی اتخاذ کرد؟ وانگهی، چرا افراد بدون آنکه ضرورتی در میان باشد، در گفت‌وگوی اینترنتی مشارکت می‌کنند؟ /سلاووی ژیرک^{۹۹} از منظری بسافروردی پیشنهاد می‌کند:

در اجرای کنش سخن، سوژه قادر نیست به فانتزی بنیادین خود پی ببرد، که خودش را در آن بشناسد. شاید فضای سایبرنتیک حوزه‌ای را برگشاید که سوژه بتواند فانتزی بنیادین خود را در آن درونی کرده و از همین رو فاصله خود را با آن به حداقل برساند. اگر اجباری بنیادین به شناسایی فرد در زبان وجود دارد، پس به ناچار باید به جامعه آن فرد نیز اذعان کنیم. پذیرش جایگاه فرد در زبان به معنای پذیرش دیگران به منزله افراد منحصر به فرد و مستقل نیز است. جودیت بوتلر^{۱۰۰} (۲۰۰۱) گفته است:

من در مقام من حرف می‌زنم... درمی‌یابم که تشکیل خود همین من، دیگری را نیز در من ایجاد می‌کند. این که من خودم را بیخشم به طرز تناقض‌آمیز یعنی ارتباط اخلاقی من با دیگران. (ص. ۳۷)

گفتمانی که از فقدان تضاد شکل می‌گیرد، افراد را ترغیب می‌کند که از چالش‌های اخلاقی‌ای که از برخورد میان چندگونگی ارزش‌ها حاصل می‌آید، دوری گزینند. این نوع گفتمان از حیث اخلاقی کم‌مسئولیت‌تر است چراکه از چالش چندگونگی که ویژگی دوره پسامدرن است، اجتناب می‌ورزد. تعهدات این گونه جوامع، نیروی دگرگون‌کنندگی حوزه عمومی را کم‌رنگ می‌کند. اگر چنین اتفاقی رخ دهد، برخی جوامع را که عجالتاً به واسطه رسانه‌های شبکه‌ای حیات دارند، قادر می‌سازد که نوعی شیفتگی جمعی ایجاد کنند دقیقاً بدین سبب که این جوامع می‌توانند عامه مبتنی بر شبکه اینترنت را به صورت خصوصی در آورند.

* این مقاله با نام

Sustainability and Narrative Plasticity in Online apocalyptic Discourse After September 11,2001

نوشته رابرت گلن هاوارد (Robert Glenn Howard)، استاد دپارتمان هنرهای ارتباطی دانشگاه ویسکانسین آمریکا، از منبع زیر برداشت و ترجمه شده است:

Journal of Media nad Religion 5(1) 2006

* منابع در دفتر ماهنامه موجود هستند.

